

رابطه مالیاتی دولت و اصناف در دوره پهلوی اول: نارضایتی از مالیات صنفی

زهره شیرین بخش*

علی بیگدلی**، شهرام یوسفی فر***، امیر شیخ نوری****

چکیده:

اصناف و پیشه‌وران از جمله گروه‌های اجتماعی محسوب می‌شوند که حیات آنان در روند نوسازی دوره پهلوی اول، دچار تحولاتی شد. یکی از مهمترین این تحولات به القای رسمی قانون مالیات صنفی در آذر سال ۱۳۰۵ش مربوط می‌شود که در واکنش به ناتوانی اصناف در پرداخت این نوع مالیات صورت گرفت. این مقاله درصدد است تا براساس روش توصیفی-تبیینی و با استفاده از اسناد و منابع مرتبط، به واکاوی مهمترین علل نارضایتی و ناتوانی از پرداخت مالیات‌های صنفی در میان اصناف و همچنین تأثیر لغو رسمی دریافت مالیات صنفی بر رابطه بین دولت و اصناف بپردازد. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که تغییر شرایط کسب و کار و کاهش درآمدهای اصناف، واردات و مشکلات اجرایی قوانین، از جمله علل این نارضایتی بوده است. همچنین با حذف مالیات صنفی اصناف مانند سایر گروه‌های شهری به یک شخصیت حقوقی منفرد در موضوع پرداخت مالیات تبدیل شدند.

کلیدواژه‌ها: مالیات صنفی، اصناف، عریضه، پهلوی اول

* (نویسنده مسئول) دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه پیام نور تهران،

zohreh.shirinbakhsh@gmail.com

**استاد رشته تاریخ دانشگاه شهیدبهبشتی، alibigdeli@yahoo.com

***استاد پژوهشکده تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، shyousefifar@yahoo.com

****استاد تاریخ، دانشگاه الزهرا Dr-sheikhnuri@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۵/۶/۱۳ تاریخ پذیرش: ۹۵/۹/۱

۱. مقدمه

مالیات مبلغی است که دولت بر طبق قانون برای تقویت عمومی حکومت و تأمین مخارج عمومی از اشخاص، شرکت‌ها و مؤسسات، به صورت‌های مختلف جنسی، نقدی و یا حتی به صورت انجام کار اجباری و با نام‌های مختلفی چون مالیات سرانه، مستقیم و غیرمستقیم و... (فرهنگ، ۱۳۸۶: ۱۲۱۵) دریافت می‌دارد.

مالیات همواره یکی از منابع مهم درآمد حکومت‌های ایرانی بود؛ اما علی‌رغم وجود دیوانسالاری گسترده و سیستم پیچیده مالیاتی، سازوکار دریافت مالیات واجد ویژگی‌هایی بود که به بروز نارضایتی‌های گسترده‌ای در سطح جامعه می‌انجامید. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به چنین مواردی اشاره کرد: وجود مراکز متعدد و متنوع دریافت مالیات، عدم ثبات مقدار مالیات‌ها، فقدان معیارهای مشخص برای تعیین مقدار مالیات به نحوی که گاه غیر از مالیات‌های مرسوم مانند خراج و جزیه و... بیش از چهل یا پنجاه نوع مالیات توسط دولت مرکزی دریافت می‌شد؛ به علاوه فقدان تشکیلات منظم و دستورالعمل واحد برای اخذ مالیات، با بازگذاشتن دست مستوفیان برای اعمال فشار بر طبقات پایین جامعه، نوعی تشنگی و بی‌نظمی در جریان مالیات‌گیری پدید می‌آورد. مجموعه این ویژگی‌ها به فشار مالی و اقتصادی به طبقات خرده پای شهری و روستایی و کندی جریان رشد و توسعه می‌انجامید. (تقوی، ۱۳۶۳: ۱-۳)

پایه مالیات در ایران مالیات مستقیم زمین بود. مالیات اهل حرفه و تجارت انواع مختلفی داشت که بر اساس سرشماری و گاهی هم از روی عایدات و منافع محاسبه و دریافت می‌شد. مالیات مستقیم خود به دو شیوه نقدی و جنسی دریافت می‌شد. (جمالزاده، ۱۳۳۵ق: ۱۲۰-۱۲۱) تا پیش از مشروطه، مالیات غیرمستقیمی در ایران دریافت نمی‌شد، اما در پی کسر بودجه و افزایش هزینه‌های دولتی نسبت به درآمدها، در این دوره، درآمد مالیات‌های غیرمستقیم، از جمله مالیات بر نمک، تریاک، الکل و... برقرار شد (همان: ۱۲۵) و پس از آن، مالیات غیرمستقیم و مستقیم توأمان تبدیل به یکی از منابع اصلی درآمدی دولت شد. در دولت پهلوی نیز مالیات‌های غیرمستقیم و مالیات بر درآمد، همچنان در کنار عواید نفت و درآمد گمرکات از منابع مهم درآمد دولت (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۱۵۶) محسوب می‌شد.

طرح مسأله: اصناف و پیشه‌وران از جمله گروه‌های اجتماعی هستند که وضعیت آنان به عنوان صاحبان کسب و کار سنتی در دوره پهلوی اول نیازمند تحقیق است. در سال‌های

اولیه حکومت رضاشاه نوعی نارضایی عمومی نسبت به مقدار و شیوه اخذ مالیات‌های صنفی به وجود آمد که ریشه در دگرگونی‌های اقتصادی و اجتماعی این دوره و ادوار پیشین داشت. به عنوان نمونه، از حدود سال ۱۳۰۲ش، اختلاف میان بزازهای مسلمان و کلیمی سنقر کرمانشاه در مورد پرداخت مالیات صنفی و نارضایتی از سهم سرشکن شده این مالیات‌ها برای حدود سه سال (دهنوی، ۱۳۸۳: ۶۶-۵۹) در جریان بود. اما نارضایتی از مالیات صنفی در میان اصناف در دوره مورد نظر چنان گسترده و همه‌گیر شد که دولت را واداشت تا در سال ۱۳۰۵شبه‌طور رسمی و قانونی نوع مالیات را ملغی اعلام کند. واکاوی موضوع مالیات صنفی و لغو رسمی آن در این دوره از اهداف اصلی این مقاله است.

بر این اساس سئوالی طرح می‌شود که چرا گروه‌های اصناف از پرداخت مالیات مقرر و مسبوق به سابقه مالیات صنفی، ناتوان شدند؟ تغییر شرایط اجتماعی و سیاسی مصادف با دوره پهلوی اول تا چه اندازه بر این ناتوانی تأثیرگذار بود؟ چرا حتی پس از لغو رسمی این مالیات توسط دولت، نارضایتی‌ها از ادامه روند اخذ آن تداوم یافت و در شکل نگارش عریضه‌ها به دستگاه‌های دولتی انعکاس یافت؟

فرض بر این است که کسادی کسب و کار بسیاری از اصناف در پی تغییر شرایط اجتماعی و اقتصادی، از جمله ادغام تدریجی ایران در اقتصاد جهانی، تغییر ذائقه عمومی نسبت به محصولات داخلی و گرایش عمومی نسبت به محصولات خارجی، واردات، کاهش درآمد و بحران‌های مالی، مواجهه با دوران جدید و تغییر سبک زندگی در ناتوانی نسبت به پرداخت مالیات صنفی مؤثر بوده است. از سوی دیگر، مشکلات اجرایی ناشی از تصویب قانون الغای مالیات صنفی، از جمله وقفه ایجاد شده بین زمان تصویب این قانون تا زمان اجرایی شدن آن و نارضایتی از عملکرد عمال محلی مالیات، در نارضایتی اصناف پس از لغو قانونی مالیات صنفی از علل عمده نارضایتی اصناف در این زمینه بوده است.

پیشینه تحقیق: موضوع مالیات‌های صنفی، به‌ویژه در دوره پهلوی اول کمتر مطالعه شده است. در میان آثار موجود، بیشتر منابعی که به موضوع تاریخ مالی و اقتصادی و سیر تطور مالیات در ایران می‌پردازند، به مالیات صنفی در دوره‌های مختلف تاریخی و نحوه دریافت آن به عنوان یکی از منابع مالی دولت‌ها، در کنار سایر انواع مالیات‌ها اشاره کرده‌اند؛ اما در میان پژوهش‌های تاریخی، تعداد آثاری که به‌طور مستقل به این موضوع در دوره رضاشاه پرداخته‌اند، اندک است.

ویلم فلور (w. floor) در دو اثر خود جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران (فلور: ۱۳۶۵) و مقاله «اصناف»^۱ به تأدیه مالیات به عنوان یکی از وظایف اصلی اصناف، نظام‌بنیچه‌بندی، مقامات متصدی دریافت این مالیات و مباحثی از این دست در دوره قاجار اشارات سودمندی دارد. همچنین مقاله کوزنتسوا (Kuznetsova) (عیسوی: ۱۳۶۲) در مجموعه تاریخ اقتصادی ایران، از آثار تحقیقی قابل توجه درباره سازمان اصناف در اوایل قرن نوزدهم میلادی است که بر توصیف وضعیت شغلی اصناف در این دوره تمرکز دارد. البته اتکای این اثر بیشتر بر منابع روسی است.

مقاله «الغای مالیات سرانه و صنفی در دوره رضاشاه و پیامدهای آن در ایالت فارس» (رودبالی: ۱۳۹۲) عمدتاً به نارضایتی از دریافت مالیات سرانه و صنفی در ایالت فارس پس از تصویب قانون الغای مالیات‌های صنفی اشاره دارد. عمده آثاری که براساس مستندات تاریخی به تحولات دوره رضاشاه پرداخته‌اند، تنها اشاره‌ای گذرا به تصویب قانون الغای مالیات صنفی کرده و به زمینه‌های تصویب این قانون و دغدغه‌های اصناف در این باره نپرداخته‌اند.

روش تحقیق: در این مقاله ابتدا محورهای اصلی نارضایتی اصناف از پرداخت مالیات صنفی از میان محتوای اسناد عرایضی که طی سه دوره ششم تا هشتم مجلس شورای ملی به مجلس رسیده است، استخراج و سپس برای تکمیل، تفسیر و تشریح این محورها از منابع کتابخانه‌ای مرتبط و اسناد آرشیو ملی ایران برای تکمیل اطلاعات لازم بهره گرفته شده است.

چنان‌که پیش از این اشاره شد، اسناد عرایض به عنوان یکی از منابع اصلی این مقاله مورد توجه است. عریضه‌ها در شناخت وضعیت اصناف به عنوان یکی از گروه‌های اجتماعی در این دوره و ارائه تصویری بهتر و گویاتر از شرایط آن‌ها منابعی قابل توجه هستند. از خلال اسناد عرایض امکان دسترسی نزدیک‌تر و بهتر به دغدغه‌های اصناف در مورد شرایط کسب و کار، نگرانی‌ها، تظلمات و احیاناً بدفهمی‌های آن‌ها از روند اجرای قوانین و شرایط کلی حاکم بر جامعه به خوبی هویدا است. اگرچه در پژوهش‌های تاریخی و در بررسی شکایت‌ها از طریق اسناد عرایض، همواره باید به این نکته واقف بود که یکسویه دیدن شکایات و عدم توجه به مواردی چون انگیزه‌ها و اهداف قانونگذار از وضع و نحوه اجرای قوانین، پژوهش را از مسیر درست دور خواهد ساخت، با این‌همه نباید از نظر دور داشت که عریضه‌ها را می‌توان آینه‌ای تمام‌نما از نحوه معیشت و دلمشغولی‌های عمده

گروه‌هایی چون اصناف دانست و از آن در ترسیم شرایط اقتصادی و اجتماعی آنان بهره برد. مقاله حاضر برای نخستین بار یکی از موضوعات مهم مبتلابه اصناف در آغاز سده حاضر را مورد توجه قرار می‌دهد.

۲. مالیات صنفی

مالیات صنفی در کنار سه نوع مالیات ارضی، خالصجات و سربازی (خانواری) یکی از انواع مالیات مستقیم و نوعی مالیات بردرآمد محسوب می‌شد که در مقاطع مختلف تاریخی از کسبه و پیشه‌وران شهرها اخذ می‌شد. هر صنفی موظف بود مبلغ مشخصی مالیات پردازد که آن مبلغ توسط رؤسای صنف بین افراد آن صنف سرشکن و وصولی می‌شد. (دبیرالملک، ۱۳۰۳: ۱۷-۱۶)

با توجه به فقدان آمار دقیق از جمعیت ایران در مقاطع مختلف و عدم امکان تعیین مالیات براساس جمعیت، اصناف بهترین واحدهای مالیاتی را تشکیل می‌دادند. مقدار مالیات اصناف براساس تعداد استادان هر صنف و میزان درآمد آنها محاسبه می‌شد. (کوزنتسوا، ۱۳۶۲: ۴۵۱) حکومت به وسیله انجمن‌های صنفی توانست با پیشه‌وران شهری به صورت دسته‌جمعی و به‌عنوان یک کل واحد روبه‌رو شده و به آسانی از آنان مالیات بگیرد. سلسله مراتبی که از طریق آن این مهم صورت می‌پذیرفت، از کلانتر آغاز و از طریق نقیب الملک و ریش سفیدان و کدخدایان اصناف به استادان صنف منتهی می‌شد، همگی در راستای انجام وظیفه مالیات ستانی عمل می‌کردند. (اشرف، ۱۳۵۹: ۳۱-۳۲) در واقع یکی از مهمترین کارکردهای اصناف در جامعه شهری ایران تا سده سیزدهم هجری قمری، به‌ویژه از نظر اقتصادی، در روند جمع‌آوری و تأدیه مالیات به حکومت نمود می‌یافت؛ به‌طوری‌که می‌توان اصناف را بهترین و کارآمدترین واحد برای برآورد و توزیع و جمع‌آوری مالیات‌ها دانست. (یوسفی فر، ۱۳۸۹: ۷۴) «پرداخت مالیات» وجه ممیزه اصناف و سایر گروه‌های شهرنشین متحد و دارای منافع یکسان از جمله اطباء، تجار، مرده شویان، موسیقی‌دانان، کشتی‌گیران و درویشان شمرده می‌شود. (فلور، ۱۳۶۵: ۷۸)

پس از ورود اسلام، مالیات صنفی ظاهراً بر اساس طبقه‌بندی و برحسب میزان درآمد صاحبان مشاغل تعیین و وصول می‌شد. در این زمینه گزارش‌هایی از وجود فساد دستگاه و مأموران مالیاتی، توسل به زور برای دریافت مالیات و نیز فقدان یک نظام کارآمد و شفاف مالیاتی در دست است. (راوندی، ۱۳۳۳: ۳۰)

در دوره صفویه، سازمان اصناف تکامل بیشتریافت؛ پیشه‌وران و صنعتگران از چندین صنف تشکیل می‌شدند و هرکدام تحت نظر رئیس یا ریش سفید و چند استادکار قرار داشتند. رئیس صنف وظیفه مالیات‌گیری از هر واحد صنفی را پس از تعیین سهمیه‌مالیاتی آن صنف و توافق با کلانتر یا نقیب برعهده داشت. نقیب میزان مالیات صنف را به‌عنوان یک گروه تعیین می‌کرد و این مالیات به حکومت (کیوانی، ۱۳۷۹: ۲۷۶) «ذیل اصناف» پرداخت می‌شد.

در دوره قاجار مالیات‌های صنفی با عنوان مالیات «صنف»، مالیات «اصنافیه» و نیز از برخی مناطق با عنوان‌هایی چون «بنیچه»، «خرج» و «تحمیل» نیز به‌کار می‌رفت. در این دوره، مالیات‌های پیشه‌وران سالانه از آنان دریافت می‌شد. رؤسای اصناف مسئول جمع‌آوری مالیات نیز بودند و پس از جمع‌آوری آن را به کلانتر شهر، که مأمور دیوان بود، تحویل می‌دادند. این مالیات گاه به‌صورت سرشمار، یعنی سرانه و گاه بر حسب دارایی پیشه‌وران (فلور، ۱۳۶۵: ۷۸-۷۹) وصول می‌شد.^۲

وضعیت اصناف در ابتدای دوره قاجار به دوره صفویه شباهت داشت و نظارت گسترده حکومت بر اصناف همچنان ادامه یافت. در این دوره گروه‌های پیشه‌ور و کسبه یکی از بخش‌های اقبال میانجامعه شهری به‌شمار می‌آمدند. (اشرف، بنوعزیزی، ۱۳۸۷: ۴۳) پس از انقلاب مشروطه، برای اعمال تغییراتی در شیوه مالیات‌گیری از اصنافتلاش‌هایی صورت گرفت. در سال ۱۳۳۲ق و در مجلس سوم شورای ملی، خزانه‌داری کل، نظام‌نامه‌ای در ۱۵ ماده برای مالیات اصناف تهیه و به هیأت وزراء پیشنهاد کرد که در ماده سوم اشاره شده بود مالیات اصناف بیش از صدی پنج و کمتر از صدی نیم نسبت به عایدات خاص مؤدیان اخذ نخواهد شد. در ماده دوم همین نظام‌نامه، علما، مستخدمین دولتی و معلمین و مدیران مدارس را از این مالیات معاف (جمالزاده، ۱۳۸۴: ۱۲۴) کرده بود.

اصلاحات اقتصادی و مالی بعدی، از جمله در سال ۱۳۰۱ش شیوه‌های مالیات‌گیری و میزان آن از اصناف را دچار دگرگونی‌هایی کرد. در این پیام دکتر میلسپو (A. Millspaugh) برای اصلاح ساختار مالی و اقتصادی ایران، در نحوه مالیات‌گیری اصلاحاتی صورت داد. میلسپو از حدود ۲۰۰ نوع مالیات متفرقه یاد می‌کند که اغلب آن‌ها به‌عنوان رسوم قدیمی اخذ می‌شد و تعدادی از آن‌ها هم که عملاً منسوخ شده بودند، شامل انواع مالیات‌ها، از جمله مالیات صد و چهل و نه شغل و حرفه (میلسپو، ۱۳۳۶: ۷۷-۷۶) بود. به زعم او، اخذ مالیات جدید، از جمله مالیات بردرآمد و وضع یک مالیات انعطاف‌پذیر راه را

برای حذف چند نوع مالیات مزاحم، از جمله مالیات عوارض و راهداری، مالیات تنباکو و... هموار می‌کرد. (همان: ۱۸۱-۱۸۰)

با همه این تلاش‌ها تا سال ۱۹۲۱م/۱۳۰۱ش هنوز هیچ اقدام جدی در زمینه ساماندهی مالیات اصناف صورت نگرفته بود و هنوز اصناف براساس آمارهای قدیمی مالیات می‌پرداختند. اضافه شدن اصناف جدید، از بین رفتن برخی اصناف قدیم و افزایش و کاهش در تعداد اصناف موجود، حکومت را به فکر ارزیابی مجدد وضعیت مالیات‌ها انداخت و در آن زمان نیز این ارزیابی منحصر به اصناف تهران بود. در این سال سیدضیاءالدین طباطبایی - نخست وزیر تصمیم گرفت به ارزیابی مجدد سهم مالیات اصناف بپردازد. وی قانون جدیدی تهیه کرد که به جای شصت هزار قران مالیات سالانه که براساس آمار قدیمی از اصناف گرفته می‌شد، یک میلیون قران مالیات اخذ شود. اما با سقوط کابینه سیدضیاء، این لایحه هیچ‌گاه صورت قانونی (فلور، ۱۳۶۵:۸۳) نیافت. در اردیبهشت سال ۱۳۰۳ش، لایحه‌ای به مجلس تقدیم و طی آن قرار شد که اخذ و وصول ۲۸ فقره مالیات‌های غیرمستقیم و ۱۴۹ فقره مالیات‌های مستقیم متروک شده و ظرف یکسال پس از اجرای این قانون، لغو قطعی تمامی مالیات‌های مزبور به مجلس پیشنهاد شود.^۳

سرانجام در تاریخ ۲۰ آذر ۱۳۰۵ش، با تصویب «قانون الغاء مالیات‌های صنفی»، تمامی مالیات‌های صنفی در شهرها و قصبات و قراء که به هر عنوان اخذ می‌شد، لغو و مقرر شد از ابتدای سال ۱۳۰۶ش نیز وجهی از این بابت مطالبه نشود و دولت مکلف شد که این مالیات‌ها را از دفاتر دولتی حذف کند. در این قانون، فهرستی از ۲۶۷ فقره مالیات مشاغلی درج شده است که از پرداخت مالیات‌های مقرر خود ناتوان (فهرست قوانین دوره ششم، بی تا: ۱۶-۸) بودند.

۱.۲ سابقه معافیت‌های مالیاتی اصناف

تا پیش از تصویب قانون الغاء مالیات‌های صنفی، قانون واحدی برای لغو مالیات‌های اصناف وجود نداشت، اما منابع گاه از سابقه بخشودگی مالیاتی یاد کرده‌اند. گاهی اصناف مختلف به تناوب از معافیت مالیاتی برخوردار بودند. در زمان صفویه تعدادی از اصناف، از جمله نجاران و بنایان از مالیات معاف بودند، ولی آن‌ها هم گاهی در ازای این معافیت، مجاناً برای شاه کار می‌کردند و از طریق بیگار مالیات خود را پرداخت می‌کردند. در مواقعی نیز که عده‌ای از اصناف توسط شاه برای انجام یک کار فوری احضار می‌شدند، اتفاق

می افتاد که هرکس مبلغ زیادتری تعارف می داد، از بیگاری معاف شود. (تاورنیه، ۱۳۶۹: ۸۸۴) اما همان طور که گفته شد، گاه در پی صدور حکمی از جانب شاه، صنف یا اصنافی از مالیات معاف می شدند. به عنوان مثال، شاه عباس صفوی، شمشیرسازان را از پرداخت مالیات معاف کرد. (لمبتون، ۱۳۶۰: ۲۵)

گاه به دلایل مختلف، از جمله تمایل شاه یا علاقه او برای کمک به صنفی که دچار مشکلات مالی شده بود، معافیت های مالیاتی برآورد می شد. میزان و مدت زمان این معافیت به مقام معاف کننده بستگی داشت. (فلور، ۱۳۶۵: ۸۰) نمونه های زیادی از بخشش مالیاتی در دوران قاجار نیز وجود دارد. از جمله معافیت مالیاتی صنف صباغ از بعضی عوارض دیوانی در دوره فتحعلیشاه قاجار (هنرفر، ۱۳۵۰: ۷۵۳)، و یا معافیت بعضی از اصناف مانند نجارها، سنگتراش ها و شمشیرسازها در همین دوره. (لمبتون، ۱۳۶۰: ۲۴) ناصرالدین شاه در آغاز سلطنت خود برای معافیت دو صنف نانوا و قصاب از مالیات در تهران فرمانی صادر کرد و دستور داد که مأموران «متعرض مباشرین این دو صنف به هیچ اسم و رسم نشوند». (یکتایی، ۱۳۴۰: ۲۴)

۳. نارضایتی اصناف از پرداخت مالیات صنفی

در دوران حکومت پهلوی اول تغییرات بسیاری در حیات صنفی ایران بوجود آمد. در این دوره، اصناف با حکومتی جدید و برنامه های آن برای تغییر شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه روبرو شدند. از سوی دیگر، تغییر پُرشتاب شرایط اقتصادی و سیاسی جامعه، دگرگونی های گسترده ای در موقعیت شغلی و اجتماعی گروه های مختلف جامعه، از جمله اصناف به وجود آورد. اصناف در دوران پهلوی اول در مواجهه با مواردی چون تغییر پوشاک رسمی، خدمت نظام و تحمیل تدریجی مالیات های گوناگون و در مقابل زیاده خواهی های مامورین دون پایه که این گروه را منبع خوبی برای منابع خود می دیدند، آسیب پذیر بودند. (آپتون، ۱۳۶۱: ۱۲۵) نارضایتی اصناف سنتی از پرداخت مالیات مدلول تغییر شرایط اجتماعی و اقتصادی بود. از منظر اجتماعی و اقتصادی، دلایل ناتوانی مالی اصناف متعدد بودند که در ادامه به شماری از آنها اشاره می شود:

از سالهای میانی سده ۱۲ ق/ ۱۹ م و همزمان با گسترش روابط ایران با دولتهای اروپائی، شرایط وضعیت نیمه استعماری در ایران پدید آمد. از پیامدهای اقتصادی این وضعیت می توان به ادغام اقتصاد ایران در شبکه اقتصاد جهانی، از میان رفتن بازارهای محلی، افزایش

واردات و گرایش به مصنوعات غربی، زوال صنایع دستی، تسلط قدرتهای استعماری بر بازرگانان و اصناف داخلی و بطور کلی وابستگی اقتصادی نسبت به قدرتهای استعماری اشاره کرد. (اشرف، ۱۳۵۹: ۴۶) با توجه به فرایند طبیعی و بدوی بودن تولید و ابزار آن، تا زمانی که درهای جامعه به روی بقیه دنیا بسته باشد، گزافی هزینه تولید محصولات و فرآورده‌ها و بازدهی پایین کار، مسئله‌ای ایجاد نمی‌کند، اما با گشوده شدن پای رقابت تجاری و سیاسی کشورهای دیگر، ورود کالاهای ارزان‌تر، این نظام طبیعی توان رقابت را از دست داده اگر مورد حمایت قرار نگیرد؛ بتدریج عرصه را به رقبای می‌بازد و این اتفاقی بود که در قرن نوزدهم برای صنایع دستی و بومی ایران رخ داد. (سیف، ۱۳۷۳: ۳۱۲) در همین حال پیامد اقتصادی شکست‌های پی در پی ایران از روسیه زیان‌های مضاعف به اقتصاد ایران وارد آورد براساس عهدنامه ترکمانچای حقوق قابل توجهی از جنبه تجاری و بازرگانی به تجار روسی اعطاء شد که بر اساس آن بسیاری دیگر از کشورهای اروپایی نیز به اعتبار اصل دولتهای کامله الولاد از امتیازات آن برخوردار شدند. بر همین اساس امتیاز تجارت هر نوع کالا و معافیت از حقوق گمرکیه میزان پنج درصد به بازرگانان روسی اعطاء شد. در حالی که در همان زمان از کالاهای تولید شده داخلی در ایالت و شهرهای مختلف با عناوین گوناگون راهداری و دروازه بانی و... چند بار عوارض دریافت می‌شد و به این ترتیب عملاً امکانی برای رقابت کالاهای بومی با تجارت خارجیان فراهم نبود. (رزاقی، ۱۳۸۱: ۱۳)

در پی این تغییرات، بسیاری از اصناف و صاحبان مشاغل دچار بحران‌های اقتصادی و مالی شدید شده و بسیاری نیز ورشکست شدند. روند فروپاشی نظام کهن صنفی در ایران و بسیاری از کشورهای منطقه سرعت گرفت. در عرصه داخلی نیز از اواخر دوره ناصرالدین شاه اوضاع مالی و اقتصادی کشور رو به وخامت نهاد. افزایش هزینه‌های جاری و دربار و ناکارآمدی‌های سیاسی حکومت، ورشکستگی دستگاه دولت را به دنبال داشت و در پی این دشواری‌ها، فشارهای حکومت بر اصناف برای افزایش درآمدهای مالیاتی از آن بخش به رویارویی‌های اصناف با حکومت و گسترش زمینه‌های نارضایتی از حکومت میان پیشه‌وران انجامید. وقوع برخی تحولات سرنوشت‌ساز مانند قیام تنباکو و نهضت مشروطیت تأثیرات گسترده‌ای در روند تحولات و تغییرات اصناف ایران داشت. (یوسفی فر، ۱۳۸۹: ۷۵)

دوران فعالیت‌های گسترده و تأثیرگذار تجار و پیشه‌وران، در آغاز سده چهاردهم ق، با ظهور حکومت پهلوی اول دچار دگرگونی‌های در ساختار و تشکیلات و حوزه‌های

عملکردی گردید؛ و مرحله جدیدی در تاریخ حضور و فعالیت این تشکل کهن در جامعه ایران رقم خورد. ادغام ایران در اقتصاد جهانی، اقتصاد ایران را از «شیوه‌های تجاری و پیش تجاری و نظام مبادله چندپاره که در آن بیشتر تولید برای قوت لایموت بود به اقتصاد بازار» تبدیل کرد که در آن، میزان اندکی تجارت خارجی هم دیده می‌شد. (اشرف و بنوعزیزی، ۱۳۸۷: ۶۳) عواید دولت و معیارهای زندگی شهری در نتیجه ظهور فرایندهای جدیدی چون تجاری‌شدن کشاورزی، بهبود حمل‌ونقل و ارتباطات، و ایجاد صنایع کوچک افزایش یافت. ظهور و گسترش صنایع کارخانه‌ای که با هدف رفع نیازمندی‌های داخلی و تامین نیازمندی‌های نظامی سرعت گرفته بود؛ توان پیشه‌وری در عرصه تولید و رقابت را تحلیل برد. (فیوضات، ۱۳۷۲: ۹۴-۹۵) با از دست رفتن توان رقابت با محصولات خارجی بنیه اقتصادی صنوف داخلی روز بروز ضعیف‌تر و تامین هزینه‌های تولید دشوارتر شد.

اصناف به شیوه مالیات‌گیری کهن از اصناف معترض بودند چرا که توانایی پرداخت مالیات‌های خود را نداشتند. فوران (Foran) به درستی اشاره می‌کند که یکی از علل لغو مالیات صنفی، سطح بسیار پایین درآمدها بود. (فوران، ۱۳۹۲: ۳۵۸)

شرایط نامساعد شغلی در میان برخی از اصناف مورد توجه مجلس نیز قرار گرفت. در دوره پنجم، نمایندگان مجلس نسبت به افزایش مالیات‌های مستقیم از جمله مالیات اصناف و یا وضع مالیات جدید برای اصناف ضعیف هشدار داده و خواستار منع قانونی برای مالیات‌های صنفی شدند. در این دوره بخش عمده‌ای از کل دریافتی مالیات مستقیم نقدی به مبلغ سه میلیون و هفتصد و بیست و پنج هزار تومان، برعهده زارعین و مالکین اصناف دریافت می‌شد. (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۵، جلسه ۸۱) سرانجام در مجلس ششم موضوع مالیات صنفی در دستور کار قرار گرفت. در جلسات بررسی این لایحه، ناتوانی و ضعف بنیه مالی اصناف قدیمی مورد توجه بوده و نمایندگان در نطق‌های خود رفع صدمات و ظلم نسبت به اصناف ضعیف را از علل توجه به این موضوع و تلاش برای الغای مالیات صنفی عنوان کرده‌اند. (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۶، جلسه ۳۷) ماده دوم این لایحه، دریافت مالیات از اصناف ضعیف و یا از بین رفته را

غیرقانونی می‌شمرد. (همان، جلسه ۳۳) هدف حذف این مالیات به قول یکی از نمایندگان، «رفع صدمات» نسبت به اصناف بود که «شاید به‌آن‌عنوان وجود خارجی نداشتند» (همان، جلسه ۳۷) بهار، نماینده تهران، ضمن تقاضای افزودن نام صنف درشکه‌چی، شعراباف، شالباف و قنایزباف^۵، به لیست اصناف معاف از مالیات، از سایر نمایندگان خواست

که با توجه به تغییر شرایط حمل و نقل و ورود اتوبوسرانی به این عرصه، شرایط دشوار صنف ضعیف درشکه چی را در نظر گرفته و این اصناف را از پرداخت مالیات معاف کنند. (همان)

در مجلس پنجم‌نماینده شیراز، ضمن درخواست صریح لغو مالیات اصناف، برای ذکر نمونه منزلت اجتماعی و اقتصادی صنف «علاقبند»^۶ در گذشته را با شرایط دشوار فعلی این صنف مقایسه و در این مقایسه بر نقش مخرب واردات بی رویه در کاهش اقبال عامه به محصولات این صنف تاکید کرد: «... قلم دوم مالیات علاقه‌بند است همه می‌دانند که در قدیم یک صنف سرمایه‌دار، یک صنف با آبرو و با سرمایه که در ایران بود علاقه‌بند بود که در کاشان، یزد، کرمان گاهی هم در شیراز کارخانه‌های ابریشم‌سازی داشته و علاقه‌بندها ابریشم تهیه می‌کردند و آن وقت هم مردم چشمشان به این حرف‌ها و ریسمان‌های فرنگی نیفتاده بود. می‌رفتند ابریشم‌ها را می‌گرفتند و لباس می‌دوختند... خلاصه علاقه‌بندی یک صنف بسیار خوبی بود... [امروزه] علاقه‌بندها به کلی از بین رفته و بی‌بضاعت شده‌اند یک مالیاتی از صنف علاقه‌بند گرفته می‌شده و به جزء جمع آمده و می‌گرفته‌اند. حالا هم همان طور گرفته می‌شود. از کی می‌گیرند؟ آنها که از بین رفته‌اند...». (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۵، جلسه ۸۱) در ادامه این نماینده مجلس لیست بلندبالایی از اصنافی برشمرد که شرایط مشابه صنف علاقه‌بند تجربه کرده و در خطر زوال قرار دارند برشمرده و از مجلس خواست که چاره‌ای جدی درباره مالیات صنفی و تاثیر آن بر معاش این عده بیندیشند. (همان)^۷

حتی پس از الغای رسمی قانون مالیات صنفی، وزارت مالیه طی بخشنامه‌ای به دوایر مالیاتی ولایات دستور داد که با وجود ضعف بنیه مالی اصناف، از دریافت بقایای مالیات صنفی تا سال ۱۳۰۴ ش، صرف‌نظر نموده و فقط مالیات سال ۱۳۰۵ را تا آخر مطالبه کنند. (روزنامه اطلاعات، ۲۲ بهمن ۱۳۰۵، ش ۱۴۹: ۱)

بخشی از عرایض به افت شرایط شغلی و اقتصادی اصناف در پی عدم رغبت عمومی به محصولات داخلی بویژه در عرصه پوشاک و لباس و گرایش به استفاده از محصولات خارجی در این عرصه اشاره دارد. این معضل معلول تغییر شرایط اجتماعی و رغبت به منسوجات خارجی از یک سو و آسیب دیدن صنعت نساجی در ایران از سوی دیگر بود. در کتاب جغرافیای اصفهان ضمن اشاره به کسادگی کسب و کار صنف نساج؛ بی‌رغبتی به پارچه داخلی چنین توصیف شده است: «مردم ایران جسم و جان خود را رها کردند و

دنبال رنگ و بوی دیگران بالا رفتند و در واقع در این مرحله به ضررها رسیدند و درست ملتفت نیستند چنانچه الان به خصوص [در] لباس ارزان معقولانه ی مقرون به صرف و دوام حیران‌اند» (تحویله‌دار، ۱۳۸۸: ۱۲۰)

صنعت نساجی در ایران از سابقه طولانی و درخوری برخوردار بود و نقاطی همچون کاشان و یزد شهرت قابل توجهی در عرصه تولید پارچه برخوردار بودند. اما در پی رشد سریع بازرگانی خارجی، برقراری ارتباط بازرگانی با کشورهای غربی و رونق کالاهای فرنگی در نیمه آخر قرن گذشته در ایران اقبال عمومی به مصرف کالاهای خارجی بویژه پارچه و منسوجات نخی و فاستونی انگلیسی به شدت افزایش یافت و در پی این تحول، صنایع نساجی کشور و بخصوص صنایع نساجی شهرهای صنعتی کشور یعنی اصفهان، کاشان و یزد رو به زوال نهاد. (اشرف، ۱۳۵۹: ۹۱-۹۲) با شروع روند زوال صنایع نساجی و گسترش واردات پارچه، وضعیت شغلی و معیشتی بسیاری از اصناف سنتی مرتبط با این صنعت در ایران دستخوش تغییرات جدی شد و بسیاری از اصنافی که امرار معاش آنها به نحوی با تولید پارچه در ارتباط بود، از ادامه این روند لطمه دیدند. سود سرشار واردات پارچه برای تجار و دلالت‌آوردکننده، تمایل به استفاده از پارچه فاستونی بویژه در میان طبقات مرفه جامعه، گرانی مواد اولیه تولید پارچه از جمله کرک و پشم در پی صدور این محصول به خارج از کشور به ورشکستگی اصنافی چون شعرباغان یزد، شال باغان کرمان و عبا باغان نایین منجر شد. (روزنامه اطلاعات، ۲ اسفند ۱۳۰۷، ش ۷۱۰: ۳)

از سوی دیگر در دوره پهلوی اول تاسیس کارخانجات جدید و تلاش دولت برای راه‌اندازی صنایع کارخانه‌ای بر نگرانی بسیاری از اصناف افزود. تظلم صنف نساج نسبت به تاسیس کارخانه نساجی در اصفهان در سال ۱۳۰۶ نمونه‌ای از اظهار نگرانی این صنف در مورد تبعات احتمالی تاسیس کارخانجات جدید برای شغلشان. (روزنامه اطلاعات، ۲ مرداد ۱۳۰۶، ش ۲۶۷: ۱) است.

۴. اعتراضات اصناف به مالیات صنفی

۱.۴ عدم رغبت به کالای داخلی

چنانکه اشاره شد، در پی تغییر شرایط اجتماعی و اقتصادی، اصناف توان مالی خود را برای پرداخت مالیات مقرر از دست دادند و این ناتوانی در عرایضی که از اصناف به مجلس رسیده است؛ بویژه در دوره ششم مجلس نمود یافت. در این عرایض عمدتاً اظهار ناتوانی و

ضعف اصناف در مواردی چون پرداخت مالیات‌ها و فشار مأمورین مالیاتی کاملاً مشهود است. به عنوان نمونه در عرایض اصناف صباغ، تغییر سلیقه مردم در انتخاب لباس و گرایش به منسوجات فرنگی از علل اصلی انحطاط شغلی صباغی‌ها و نساج‌ها عنوان شده است. در پاسخ به شکایت صنف صباغ مراغه، اداره مالیه خود اشاره دارد که مالیات این صنف از ۱۵۰ تومان در سال به ۹۰ تومان تقلیل داده شده اما این صنف باز هم از پرداخت مالیات مقرر خود ناتوان (کمام ۶/۲۳/۱۶/۴۱) است.^۸

صنف صباغ اسداباد نیز با اشاره به تغییر سلیقه مردم در انتخاب لباس و گرایش به منسوجات فرنگی می‌نویسد: «اما از موقعیکه ما ایرانیان بدبختی و تنزل را استقبال... و اتفاق به تخریب اساسی زنده گانی... و بی منت خود گذاشته و خودمان را از بابت تهیه تجمل و لطافت لباس محتاج باجنبی کردیم کم کم نساجیها مضمحل و بالتبع صباغیها رو بانحطاط گذاشته...» و از این رو خواستار «تخفیف مفصل» در مالیات صنف خود شده است. (کمام ۶/۴۶/۲۲/۱/ج۸)

شال بافان کرمانی مقیم مشهد نیز با توجه به کاهش قابل توجه تعداد دستگاه‌های سنتی شال بافی و جمع شدن حدود پنجاه عدد از این دستگاه‌ها طی سالیان اخیر، که طبیعتاً بر تعداد شاغلین به این صنف نیز تاثیر داشت، خواستار کاهش مالیات و فشار اقتصادی ناشی از آن، بر صنف خود (مختاری اصفهانی، ۱۳۸۰، ۱۴۶-۱۵۰) شدند.

کاهش توان مالی اصناف در گذر زمان سبب شد که در مواردی مالیات صنفی به عنوان یک مالیات تحمیلی تلقی گردد. در شکایت صنف طلیس چی^۹ تبریز، ادعا شده که مالیاتی به نام این صنف هیچگاه در دفاتر مالیه نبوده و غیرقانونی (کمام: ۶/۲۳/۱۶/۱/۷۵) است.

در این میان مواردی از حمایت از منسوجات داخلی نیز مانند قطعنامه اتحادیه اصناف اصفهان در حمایت از تولیدات داخلی در عرصه منسوجات و تشویق مردم به استفاده از منسوجات وطنی قابل توجه است. (روزنامه اطلاعات، ۹ دی، ۱۳۰۵، ش ۱۱۱: ۱) اما این اعلان و مواردی شبیه به این در حمایت از تولیدات کارخانه‌ای ساخت داخل است که در عمل چنین اقداماتی کمکی به اصناف سنتی در خروج از بحران تولید نمی‌کرد. چرا که اصنافی که به صورت خانگی و دستی یا در کارگاه‌های کوچک سنتی اقدام به بافت پارچه، شال و یا مواردی از این دست می‌کردند، به هیچ عنوان توان رقابت با کارخانه‌های بزرگ منسوجات و پارچه را نداشتند. با این حال از این نکته نباید غافل بود که حتی قبل از آغاز برنامه‌های صنعتی سازی دولت پهلوی اول در تاسیس صنایع کارخانه‌ای جهت رفع نیاز

داخلی، از اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم شش منسوجات منچستر در کنار قند و شکر، مهمترین اقلام وارداتی ایران را تشکیل می‌دادند. (اشرف، ۱۳۵۹: ۹۱) و صنایع سنتی بومی ایران به سبب وارد کردن کالاهای اروپائی به سختی آسیب دید. (فلور، ۱۳۷۱: ۱۹) بنابراین در تحلیل و بررسی عرایض مربوط به مالیات‌های صنفی، باید به موضوع واردات برخی کالاها، عدم توان اصناف در رقابت با کالای خارجی و ورشکستگی برخی اصناف توجه کرد.

رغبت عمومی به کالاهای خارجی و اشیای تجملی از اواخر دوره قاجار، واردات بی‌رویه این کالاها و ناتوانی تولیدکنندگان داخلی در رقابت با کالای ساخت خارج ضربه‌ای سخت بر پیکر نحیف تولید داخلی وارد و زمینه ساز بروز نارضایتی‌های گسترده در میان اصناف شد. کرزن (Curzon) از علاقه فراوان همه طبقات جامعه ایرانی از شاه تا طبقات پایین، نسبت به بلورجات، زیورآلات و اجناس وارداتی بطور کلی سخن گفته است. (کرزن، ۱۳۸۷: ۴۲۷) علاقه به استفاده از اجناس خارجی در میان طبقات مختلف از یک سو و واردات رسمی کالاها توسط دولت از سوی دیگر، گاه برخی اصناف را دچار رقابتی ناعادلانه و بی‌ثمر با محصولات خارجی قرار می‌داده و به کساد کسب و افول توان مالی آنها می‌انجامید.

واکنش به این معضل در عریضه صنف کفاش قزوین، نسبت قابل مشاهده است. در این عریضه ضمن گلایه از بی‌توجهی نمایندگان مجلس نسبت به «این سیل خانمان برانداز»، تقاضا شده که از ورود پوتین و کفش خارجی جلوگیری و تخفیفی در مالیات «این صنف فقیر» داده شود. (کمام ۱۳۰/۲۴/۶۷۵۱) چنین تقاضاهایی از طرف صنف کلاه مال کرمانشاه نسبت به ورود کلاه از خارج، نیز ابراز شده (مختاری اصفهانی، همان: ۲۳۳) است. صنف کفاش در گلایه غم‌انگیز به دولت درباره جلوگیری از ورود کفش و پوتین خارجی، با طرح تقاضای قطع ورود کالاهای خارجی و حمایت از تولید داخل می‌نویسند: «صد حیف که هم قطع نظر از نبودن مکشوف حتی رقابت اجانب و نداشتن غمخوار یک مرتبه هزاران هزار کفش‌های خارجی در این مملکت ریخته و بکلی دست و پای ماها را بسته و دماغ ماها سوخته و یک باره ملول و افسرده و یکی بعد از دیگری از پا درآمده و بر (ور) شکست شده‌ایم.» (مختاری، همان: ۱۸۰-۱۷۹) در همین راستا و فور آگهی‌های فروش کفش و گالوش‌های خارجی در جراید قابل توجه است. (روزنامه اطلاعات، ۱۰ آبان، ۱۳۰۷، ش ۶۲۳: ۴)^{۱۰}

اصناف ضعیف نیز در مقابل پرداخت مالیات صنفی آسیب پذیر بودند. برای اصنافی که با توجه به گذشت زمان دیگر کارایی پیشین را نداشتند و محصولات تولیدی آنها با توجه به تولید کارخانه ای، در مقیاس بسیار محدودتر از گذشته تولید و عرضه می‌شد؛ مالیات باری تحمیلی تلقی می‌شد. در عریضه جماعت کاغذچی‌های تبریز، از مجلس درخواست شده تا دستور دهد مالیه «دست از گریبان مشتی بیچاره و پریشان برداشته» و از مطالبه مالیات صرف‌نظر کند. (کمام ۶/۲۴/۱۶/۲/۱۱۶). این اظهار ناتوانی با توجه به پیشینه و زوال کاغذسازی قابل توجه است. کاغذ سازی در ایران از سابقه‌ای طولانی برخوردار بود. روش‌های سنتی تولید کاغذ تا اواخر دوره قاجار همچنان کاربرد داشت اما بتدریج واردات کاغذ، که عمدتاً از روسیه و ترکیه صورت می‌گرفت، جایگزین بخش اعظم خروجی صنایع کهن کاغذسازی شد. این صنایع در کیفیت و قیمت و یا تولید محصولات کاغذی جدید مورد نیاز بازار، توان رقابت با محصول خارجی نداشت. (فلور، ۱۳۹۳: ۳۰۷) در این میان نه تنها کاغذچی‌ها بلکه رسته‌ها و اصناف وابسته همچون صحافان و کتابفروشان نیز با افول مواجه شدند. حد فاصل سالهای ۱۹۲۲-۱۹۱۷م، واردات کاغذ هر ساله دو برابر می‌شد. (همان: ۳۳۴)

۲.۴ تغییر در ترکیب اصناف

تغییرات در بدنه اصناف از زمینه‌های دیگر بروز کشمکش بین اصناف و مالیات گیرندگان بود. از آنجاکه مقدار مالیات صنفی مقرر بین اعضای هر صنف سرشکن می‌شد، تغییر در ترکیب کمی شاغلین به یک صنف به عللی چون ترک شغل و گرایش به مشاغل پرکاربردتر و پردرآمدتر، با تاثیرگذاری بر مقدار مالیات پرداختی هر یک از اعضا، موضوع برخی عریضه‌هاست. در این عرایض مانند عریضه صنف خورده ساز و دلو ساز^{۱۱} همدان در بهمن ۱۳۰۵، از مقامات خواسته شده که در موضوع پرداخت مالیات مقرر، کاهش قابل توجه تعداد شاغلین به این صنف و کاهش تعداد دکانهای آنها را مدنظر قرار دهند. در پاسخ مقرر شده که از «اصناف بی بضاعت و فقیر مطالبه بقایا هم نشود» (کمام ج ۳۶/۱/۶/۶۶/۲۲/۱) بی‌عدالتی در اخذ مالیات صنفی بواسطه تغییر در ترکیب اجتماعی شاغلین به یک صنف، معضلی بود که گریبانگیر اصناف زیادی شد. صنف ساغری دوز^{۱۲} که در زمان صدارت حاج میرزا آقاسی و رونق این نوع کفش در تهران، حدود سیصد تومان مالیات صنفی می‌پرداخت، در حدود سال ۱۳۰۳ش، که تعداد آنها در بازار تهران به بیش از دو یا

سه نفر نمی‌رسید؛ ناگزیر به پرداخت همان مالیات قبلی بود. (روحی، ۱۳۰۳: ۱۸) در ۱۹۲۱م، مسئولین امر در تهران متوجه شدند که با توجه به تغییرات اجتماعی از مجموع ۸۴ صنف فقط سی و اندی مجبور به پرداخت مالیات بودند. بسیاری از اصناف دیگر با وجود افزایش قابل توجه در تعداد همان مالیات گذشته را می‌پرداختند و بسیاری دیگر با وجود کاهش قابل توجه به رویه سابق مالیات می‌دادند. (فلور، ۶۵: ۸۱) در اسدآباد همدان علی‌رغم از بین رفتن صنف صباغ در منطقه، مالیات صنفی همچنان دریافت می‌شد و اصناف در تلگراف‌های متعدد به مجلس در این باره معترض بودند. (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۶، جلسه ۳۷)

صنف قناد شاهرود نیز با اشاره به کاهش قابل توجه این صنف، این کاهش را که در نتیجه تنزل قیمت قند بواسطه واردات از روسیه می‌داند، در عدم توانایی پرداخت مالیات صنفی، قابل توجه می‌شمرد. (کمام ۶۷۰/۳۵/۱/۹) البته چنانکه در متن عریضه نیز قابل مشاهده است، منظور از قناد در اینجا صنف قندهای سنتی است که قند، گز و شیرینی‌های سنتی می‌ساختند. تحویلدار نیز از کاهش تعداد افراد شاغل به در اصفهان یاد کرده است (تحویلدار، ۱۳۸۸: ۱۱۲)

۳.۴ ورود فناوری جدید: تهدید برخی مشاغل و تشدید بحران در پرداخت مالیات صنفی

تغییرات شرایط اجتماعی و ورود تکنولوژی و فناوری‌های نوین جهان آن روز نیز بسیاری از مشاغل را دستخوش تغییرات کرد. به کارگیری فناوری جدید، بیشتر مشاغل کهن را با خطر زوال مواجه کرد و به این ترتیب آن‌ها را واداشت تا در خلال یک تکاپوی صنفی با این خطر مبارزه کرده و تلاش کنند تا موجودیت خود را حفظ کنند. اصناف دست اندرکار امور حمل و نقل همچون درشکه چی‌ها با ورود دوچرخه و اتومبیل دچار کسادگی کسب شده و از پرداخت مالیات عاجز ماندند. در پی ارسال عریضه‌های بیشمار از سوی اصناف حمل و نقل کشور، مجلس به این موضوع واکنش نشان داد. برخی از نمایندگان مجلس خواستار چاره جویی در باب معیشت اصنافی چون مُکاری^{۱۳} شدند که در پی ورود اتومبیل به کشور و وارد آمدن صدمه به کسب و کارشان، با خطر انقراض و از دست رفتن شغل خود روبرو بودند. (روزنامه اطلاعات، ۷ آذر ۱۳۰۶، ش ۳۶۹: ۱)

به دنبال تظلم خواهی گروهی از درشکه‌چی‌ها در تهران، ماده واحده‌ای در جلسه ۲۱۹ مجلس ششم ارائه شد که مقرر می‌داشت: «اتومبیل‌های بزرگ کرایه فقط در خارج شهر حق حمل مسافر داشته و در شهر ممنوع خواهند بود.» ملک‌الشعراى بهار به‌عنوان موافق این ماده، اشاره داشت که استفاده از اتومبیل گران است و به صرفه نیست. کیفیت جاده‌ها پایین و هزینه سوخت و تعمیر اتومبیل‌ها زیاد است بنابراین باید به استفاده از درشکه ادامه داد، افزون بر این با تصویب ورود اتومبیل کرایه به شهر، مشاغل دیگری، از جمله آهنگری، نعل‌بندی، سراجی و... نیز که در ارتباط کاری با اصناف درشکه‌چی و مکاری قرار داشتند و شامل حدود پنج - شش هزار نفر می‌شوند، رها شده و معیشت آنها در خطر جدی قرار خواهد گرفت. در نهایت این ماده واحده تصویب نشد.^{۱۴}

در برخی عرایض شکایت از مالیات صنفی از سوی مشاغل‌یاست که ورود اتومبیل امنیت شغلی آنها را مورد تهدید قرار داده بود مانند درشکه‌داران که عریضه خود را به شاه و سایر مراجع مانند مجلس نیز ارسال کرده‌اند، آنان ضمن تشریح شرایط نامساعد صنف و گلایه از توجه به اتومبیل‌داران اشاره می‌کردند از اصنافی چون آهنگر، نعل‌بند، سراج و پالان دوز که با سیستم حمل و نقل کهن ارتباط مستقیم شغلی داشتند، با تهدید شغلی جدی واقع شده‌اند. (مختاری، همان: ۲۶۵-۲۶۴) در این عرایض اصناف با توصیف اوضاع بحرانی شغلی خود تاکید دارند که از تأدیه مالیات صنفی خود عاجز شده‌اند. (کمام ۶/۲۰/۱۵/۲/۱۱۰) در عریضه صنف شال باف کرمانی اعتراض به ناتوانی از پرداخت مالیات با توجه درآمد پایین ناشی از ورود تکنولوژی‌های جدید بافت پارچه و از رونق افتادن تدریجی دستگاه‌های سنتی شال بافی قابل توجه است. (مختاری اصفهانی، همان، ۱۴۶-۱۵۰)

۴.۴ اختلافات مالیه و اصناف در موضوع مالیات صنفی

برخی دیگر از عرایض مدلول اختلافاتی بود که بین اصناف و مالیه به عنوان دستگاه دریافت کننده مالیات، رخ می‌داد. این اختلافات عموماً ناظر بر چند زمینه اصلی بود:^{۱۵}

۴-۴-۱. تفاوت در مفهوم مالیات بین اصناف و مالیه: در پی ارسال عرایضی در اعتراض به دریافت مالیات ملغی شده، در بسیاری از این موارد، پاسخ مالیه نشان می‌دهد که اعتراض به پرداخت مالیات‌ها، ربطی به قانون لغو شده مالیات صنفی ندارد. به نظر می‌رسد؛ تعدد مالیات‌های پرداختی که به عناوین مختلف و گاه بدون پشتوانه قانونی و تنها براساس سلیقه مأمورین و حکام محلی از اصناف دریافت می‌شد همچنین ناآشنایی مالیات‌دهندگان با

قوانین و مقررات مالیاتی مربوط به صنف خود، عدم شفافیت در اخذ انواع مالیات و ادامه روند مالیات گیری بی نظم و نسق علیرغم تصویب قانون الغای مالیات صنفی از علل بروز چنین مشکلاتی بوده است. به این ترتیب پس از تصویب قانون الغای مالیات های صنفی که تنها به لغو مالیات های چون «صنفی» و «سرشماری» منجر شد، در مواردی اصناف با تصور اینکه پس از این قانون ملزم به پرداخت هیچ نوع مالیات و مبلغ دیگری به دولت نیستند؛ اقدام به شکایت می کردند، اما پاسخ های عریض نشان می دهد که شکایاتی از این دست بی مورد است. پاسخ مالیه به مالکین در شبکه های کرایه اصفهان مبنی بر اظهار ناتوانی از پرداخت مالیات با توجه به کساد کسب در پی ورود اتومبیل به شهر، نمونه ای از چنین عریضه هایی است. بر این اساس این مالیات در نتیجه اجرای ماده دوم قانون حق الثبت مصوب بهمن ۱۳۰۴ مجلس دریافت می شود و اصولاً مالیات صنفی نیست. بنابراین شکایت این عارضین وارد نیست. (کمام: ۶/۴۳/۲۰/۲/۹۶) شکایت اصناف فخار لاله جین همدان نیز بر همین مبنا بود که مالیه در پاسخ به آن تصریح کرد که «الغای مالیات صنفی مربوط به مال الاجاره دکاکین شخصی و حق الارض کوره های فخاری و حق المرتع جنسهای ملکی نمی باشد» و صنف مزبور موظف به پرداخت اجاره دکان های این صنف است. (ساکما: ۲۴۵۰-۴۴۵۰۸) عریضه ای نیز از هیئت فخار کرمان، با مهر «هیئت اصناف و کارگران کرمان» در دست است که در آن مبلغی که مالیه به عنوان امانت اجناس فخاری به این صنف دریافت می کند، مالیات صنفی انگاشته شده و نسبت به دریافت آن اعتراض شده است. (کمام: ۶/۴۸/۲۳/۱/۶۷) در عریضه هیئت اصناف ابهر خمرسه یعنی زمانی که بیش از یکسال از تصویب قانون الغای مالیات صنفی می گذرد؛ دو تن از مقامات محلی یعنی کدخدا و فراش حکومتی متهم شده اند که مالیات ملغی شده اصناف را مطالبه کرده اند. بر اساس پاسخ مالیه وجه مورد نظر این شکایت نیز ربطی به مالیات صنفی نداشته و «مالیات مزروعی ابهر» است که «معمولاً از قدیم قسمتی از کسبه پرداخته اند» (کمام: ۶/۴۱/۱۹/۱/۴۵) چنانکه می بینیم مالیاتی که بر اساس روال تعریف شده در قانون باید تنها از مالکان زمین و کشاورزان دریافت شود؛ معلوم نیست بر اساس کدام تعریف و قاعده از کسبه نیز دریافت می شود. در همین سند دستور توقف اخذ این مالیات به مالیه محل صادر شده است اما می توان تصور کرد که در صورت عدم ارسال چنین عریضی، امکان آنکه تا مدتها بسیاری از طبقات جامعه از جمله اصناف، مالیاتی بدون توجیه قانونی و کاملاً بی ارتباط با موقعیت خود پردازند؛ قابل توجه بود.

۴-۲- معضل بعدی زمینه ساز اختلافات اصناف با وزارت مالیه مربوط به مشکلات اجرای قانون الغای مالیات صنفی است. اینگونه که اصناف مختلف از ادامه روند اخذ مالیات صنفی علیرغم صدور قانون الغای آن، شکایت داشتند. اجرای قانون الغای مالیات صنفی در عمل با دشواری‌های زیادی روبرو شد. تا مدتها پس از لغو این قانون عرایض زیادی از ایالات و ولایات مختلف بدست مجلس می‌رسید که در آن عارضین همچنان از پرداخت مالیات صنفی و فشار مامورین دولتی برای دریافت آن شکایت می‌کردند. این نارضایتی‌ها مجلس را نیز به واکنش واداشت؛ نماینده فارس ضمن ابراز نارضایتی از تداوم روال اخذ مالیات سرانه و صنفی و وصول شکایات متعدد از حوزه انتخابی خود در این مورد، از لزوم سوال از وزارت مالیه در باره علل عدم اجرای این قانون در برخی ولایات صحبت (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۶، جلسه ۱۵۰) کرد. و سید حسن مدرس نیز در نطق خود به تاریخ بهمن ۱۳۰۶، یعنی با گذشت بیش از یکسال از تصویب قانون الغای مالیات سرانه و اصناف، با اشاره به مشکلات اجرائی وضع قوانین جدید و عدم اجرای صحیح و بموقع قوانین از وصول شکایات متعدد در این زمینه اظهار نارضایتی (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۶، جلسه ۲۱۲) کرد. همچنین گزارش‌هایی از جراید مبنی بر نارضایتی از تداوم روند اخذ مالیات صنفی نیز موجود است. از جمله گزارش مندرج در شماره ۲۷ دی ۱۳۰۶ روزنامه اطلاعات مبنی بر اخذ مالیات صنفی در بندر لنگه نمونه‌ای به این موضوع اشاره دارد. (اطلاعات، ۲۷ دی ۱۳۰۶، ش ۴۰۹: ۲)

عریضه صنف فنخار شیراز، خطاب به مجلس درباره مطالبه بقایای مالیات صنفی توسط اداره مالیه محلبه بهانه عدم وصول دستور، با وجود الغای مالیات صنفی از سوی مجلس (کمام: ۶۳۲/۱۷/۳/۲۴۱)، عریضه صنف فنخار بارفروش در شکایت از امین مالیه برای اصرار در دریافت مالیات صنفی (کمام: ۱۶ ج/۶۷۳/۳۹/۱) اعتراض نماینده ساوجبلاغ در مجلس، در موضوع جوهری که به عنوان مالیات صنفی از کسبه مختلف عطار، قصاب و... این شهر دریافت می‌شود، (کمام: ۶/۱/۲/۲/۱۲۳) شکایت اصناف شهرضا، (کمام: ۶/۴۲/۲۰/۱/۴۵) و عریضه نماینده اتحادیه تجار، اصناف و زارعین بروجن چهار محال، در اعتراض به دریافت مالیات صنفی و گله‌داری علی‌رغم الغای آن، (کمام: ۶/۴۲/۲۰/۱/۶۱) جملگی از نمونه‌های عرایضی است که از مشکلات اجرائی وضع قوانین نشأت می‌گیرد.

اما بسیاری از این عرایض ناشی از فاصله زمان تصویب قانون الغای مالیات صنفی با زمان اجرای آن بود. تصویب این قانون در آذر ماه ۱۳۰۵ انجام شد اما اجرای این قانون به

ابتدای سال ۱۳۰۶ش موكول شده بود؛ و بنابراین در امر دریافت مالیات‌ها نوعی ناهماهنگی بوجود آمد. مالیه به درست اصرار داشت که بر اساس قانون مصوب، این مالیات باید تا آخر سال ۱۳۰۵ش پرداخت شود و طی بخشنامه‌ای از ادارات مالیه ولایات مختلف خواست بطور جدی در وصول بقایای این مالیات تا آخر سال تأکید ورزند. از پاسخ‌های مالیه ولایات به وزارت مالیه برمی‌آید که در بسیاری مناطق اصناف اصرار داشتند از پرداخت باقیمانده مالیات سه ماهه آخر سال ۱۳۰۵ شانه خالی کنند. به عنوان مثال مالیه همدان برای دریافت مالیات ناگزیر به چاپ اعلانی در اول اسفند ۱۳۰۵ شده و در آن خطاب به عموم «اصناف مالیات بده» اخطار کرد که قانون عطف به ماسبق نمی‌شود لذا علی‌رغم آنکه «آقایان [اصناف] به طفره گذرانیده‌اند»؛ ملزم به پرداخت مالیات تا انتهای سال جاری (۱۳۰۵) هستند. (ساکما: ۱۷۱۲۸-۲۴۰) در این کشمکش دو سویه، از یک سو اصناف با استناد به این قانون نسبت به پرداخت مالیات ناخرسند بودند و از سوی دیگر وزارت مالیه در برخی از نقاط کشور، با استناد به ماده اول این قانون که ممنوعیت دریافت مالیات صنفی را به اول فروردین ۱۳۰۶ به بعد موكول می‌ساخت؛ بر دریافت این مالیات تا آخر سال اصرار داشت و هر دو سوی عریضه یعنی هم عارضین و هم نهادهای دولتی مورد اعتراض، خود را محق می‌دیدند.^{۱۶}

نکته قابل توجه اینکه با وجود تأکید بر اجرای قانون الغای مالیات صنفی در اسناد عرایض از سوی مجلس و مالیه، شواهدی وجود دارد که در مواردی عملاً امکان مطالبه بقایای مطالباتی وجود نداشت. مالیه کاشان در پاسخ به بخشنامه وزارت مالیه در این خصوص، ضمن اشاره به مقاومت اصناف این شهر در مورد عدم تأدیه بدهی خود، به فقدان ابزار اجرایی اعمال قانون اشاره کرده و می‌نویسد که با وجود در جریان بودن مساله سربازگیری در این شهر، نظمی در مورد تأدیه مالیات صنفی، اقدام «شدیدی» نمی‌کند. بنابراین وصول بقایای مالیات صنفی تا اول فروردین، «غیرمقدور» به نظر (ساکما: ۱۷۱۲۸-۲۴۰) می‌رسد. بنابراین به نظر می‌رسد که حتی در مواردی تمایل به استفاده از نیروهای نظمی نیز برای تصفیه مالیات‌ها وجود داشته است؛ علیرغم آنکه این نیرو درگیر موارد مهمتری چون سربازگیری اجباری بوده است.

۴-۳-۴. یکی دیگر از موضوعات مورد اختلاف اصناف و مالیه درباره مالیات صنفی، به ناخشنودی اصناف از روال بنیچه‌بندی مربوط می‌شد. بنیچه‌بندی سنتی کهن برای تعیین مقدار مالیات اصناف محسوب می‌شد. در این شیوه حکومت با کمک روسای اتحادیه‌های صنفی مبلغ کل مالیات و سهم پرداختی هر اتحادیه را تعیین می‌کرد. سپس هر یک از

روسای اصناف مبلغ تعیین شده را میان اعضای اتحادیه تقسیم (فلور، ۹۲: ۴۸-۴۷) می‌کرد. با شروع قرن بیستم رسم فراخوانی روسای اصناف بتدریج کمرنگ شد و این وضعیت به پیچیدگی دریافت مالیات اصناف دامن زد. تا اینکه الغای مالیات صنفی به مشارکت سران اصناف در تعیین نرخ مالیات کاملاً پایان داد. اما تا پیش از تصویب این قانون، این روال اعتراضاتی برمی‌انگیخت. گاه اصناف با وجود تغییرات روی داده در خلال ایام گذشته خواستار تغییر بنیچه‌بندی کهن بودند مانند تقاضاهایی که ناظر به کاهش مقدار مالیات با توجه به کاهش افراد آن صنف بود اما گاه اصناف خود را ملزم به پرداخت مالیات بر اساس نظام قدیمی می‌دیدند. اما از سوی دیگر دستگاه‌های مالی با استدلال غیرنظام مند بودن آن، در این روال کهن دگرگونی‌هایی ایجاد می‌کردند که گاه به مذاق اصناف خوش نمی‌آمد. کلیمیان کهنه دوز، در حالی به افزایش مالیات صنفی خود از شش تومان به هشت تومان و فشار یکی از افراد صنف دوخته فروش برای دریافت این مالیات اعتراض کردند که بر اساس توضیح اداره عایدات مالیه از سال ۱۳۰۰ش، این صنف جزو بنیچه صنف دوخته فروشی ثبت شده و با موافقت نمایندگان صنف باید بخشی از مالیات صنف دوخته فروش را تقبل (مختاری، همان: ۱۰۴-۱۰۷) نماید. چنین اعتراضی در سال ۱۳۰۲ش، در شکایت صنف عطارهای رشت نسبت به تعیین مالیات این صنف توسط مالیه گیلان، «بدون جلب نظر روسای صنف» و از سوی مامور مالیه و مباشر صنف، صورت گرفته است در حالیکه مالیه گیلان پراکندگی، عدم دقت و تفکیک مالیات هر صنف در جزو جمع‌های قدیمی را علت اصلی بروز چنین مشکلاتی دانسته و پیشنهاد کرده که به جای روال قدیمی که مبنای مالیات‌گیری کنونی از اصناف قرار گرفته است؛ برای وصول مالیات صنفی، قانون و نظامنامه از سوی دولت تعریف (ساکما: ۱۱۸۸۸-۲۴۰) شود.

۴-۴-۴. از دیگر زمینه‌های بروز اختلاف میان اصناف و دولت در زمینه مالیات صنفی، ناظر بر دریافت مبالغی اضافه بر مالیات مقرر تحت عناوینی چون «حق مباشرت» توسط ماموران دولتی بود. در اینگونه موارد عموماً شائبه همدستی ماموران مالیاتی، مباشرین و روسای مالیه نیز در اخذ مبلغ اضافی و تقسیم آن بین خود مامورین بوجود می‌آمد و گاه مباشرین مالیاتی از مسببین اصلی افزایش غیرقانونی مالیات قلمداد شده‌اند.

بعلاوه تحمیل مبالغی علاوه بر مالیات صنفی مانند عوارض معارف^{۱۷}، که اصناف در سال ۱۳۰۴ش پرداخت می‌کردند، گاه بر نارضایی‌ها می‌افزود. در عریضه نماینده صنف نخودپز، علاوه بر شکایت از موارد فوق، عارض نهادهای دولتی ذریبط را بطور ضمنی به پشتیبانی از یکدیگر و عدم توجه به حقوق از دست رفته خود متهم کرده و به این سبب شکایت خود

را به مجلس برده است. چرا که به زعم او علیرغم شکایت‌های مکرر، ریاست مالیه و سایر روسا «کلیتا طرفدار یکدیگرند». (کمام ۶/۴۶۲۲/۱/۲۵)

۵. دولت و ساماندهی مالیات صنفی و تاثیر آن بر رابطه اصناف و دولت

در دولت پهلوی اول، تلاش برای پی ریزی نظمی نوین در عرصه‌های مختلف جامعه آغاز شد و در راستای استقرار این نظم نوین، دولت ساماندهی امور اقتصادی و اصلاحات مالی را در جهت افزایش توانایی‌های برای تامین اعتبارات و هزینه‌ها آغاز (خلیلی خو، ۱۳۷۳: ۱۹۱) کرد. جمع آوری درآمدهای کشور و تمرکز دادن کامل به آن، نظارت بر هزینه‌ها، به توسعه و تحکیم تشکیلات مالی در کشور کمک کرده و بر توان مالی دولت برای اجرای برنامه‌های مورد نظر تاثیر مستقیم (نفیسی، ۱۳۴۵: ۱۱۰) داشت.

یکی از جنبه‌های مهم نوسازی کشور، نوسازی اقتصادی و اصلاحات مالی بود که از مجلس پنجم تا هشتم بخش مهمی از برنامه‌ها را به خود اختصاص داد و به دنبال آن، دولت در این دوره تلاش زیادی برای محاسبه میزان مالیات‌ها و نظم بخشی به ساز و کار نامشخص و غیرشفاف وصول مالیات صورت داد. تصویب قانون ممیزی و قانون املاک اربابی و دواب در مجلس پنجم در همین راستا صورت گرفت. از مهمترین دستاوردهای قانون املاک اربابی و دواب تبدیل مالیات جنسی به نقدی بود. (قلفی، ۱۳۷۹: ۱۳۴-۱۳۸)

از سوی دیگر استقرار نظم نوین در این دوره با تلاش حکومت برای یکسان سازی روال و شیوه اخذ مالیات نیز ارتباط داشت. این نظم نوین با توسل به زور توانست مردم را وادار به پذیرش نوعی یکسان سازی ظاهری نماید اگرچه که در زمینه جلوگیری از فرار مالیات کامیاب (آوری، ۱۳۷۱: ۱۱۵) نشد. تا قبل از تصویب قوانین مربوط به یکسان سازی مالیات‌ها، بسیاری از عوارض و مالیات‌ها تنها به منطقه خاصی اختصاص داشت به عنوان مثال در حالیکه در یک ناحیه اصناف موظف به پرداخت مالیاتی بودند، در نواحی دیگر از آن معاف بودند. از این رو نیاز به تعدیل در نظام مالیاتی و یکسان سازی تشکیلات مالی از سوی حکومت احساس (نفیسی، ۱۳۴۵: ۱۰۱) می شد.

به نظر می‌رسد با توجه به جهت گیری کلی حکومت مبنی بر یکسان سازی و ساماندهی امور مالی کشور، عزم دولت برای انتظام بخشی به مالیات‌های صنفی، بویژه با توجه به تغییرات کمی و کیفی واحدهای اصناف در کشور طی سال‌های منتهی به الغای قانون مالیات‌های صنفی و مشکلات وصول این نوع مالیات، تصمیمی قابل انتظار و منطقی به نظر

می‌رسید. چنانکه وزیر مالیه در ابتدای جلسه بررسی لایحه الغای مالیات‌های صنفی، از تمایل دولت برای اتخاذ تدابیری در این مورد و اصلاح ترتیب مالیات‌گذاری صحبت و اشاره کرد که دولت پیش از این نیز برای رفع مشکل مالیات‌های صنفی دستور بررسی و مطالعه به آرتور به میلسپو داده بود. (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۶، جلسه ۳۳)

بعلاوه در این میان نمی‌توان نقش عریضه‌های ارجاع شده مجلس به مالیه و نهادهای دولتی ذیربط در این مورد را نیز نادیده گرفت. دولت از طریق این عرایض از ناتوانی و نارضایتی اصناف در پرداخت مالیات آگاه می‌شد. در مواردی گزارش‌های متصدیان و ماموران مالیاتی دولت نیز بر این ناتوانی و آشفتگی مالی صحنه می‌گذارد؛ گزارش کفیل مالیه مشهد و بلوکات در مورد وضعیت بسیار نامساعد صنف شال باف این شهر و عدم امکان وصول مالیات از این صنف نمونه‌ای از موارد اینچنینی (مختاری، همان: ۱۵۰-۱۴۶) است. همچنین در مواردی اداره مالیه خود از لزوم تهیه نظامنامه مشخص برای پایان دادن به وضعیت آشفته مالیات صنفی یاد (ساکما: ۱۱۸۸۸-۲۴۰) کرده است.

از سوی دیگر باید به تحول عمده در رابطه حکومت با اصناف، پس از تصویب قانون الغای مالیات صنفی در سال ۱۳۰۵ش، اشاره کرد. تا پیش از تصویب این قانون در حالیکه همه مالیات‌ها در ایران نسبت به دارائی مورد محاسبه قرار می‌گرفت؛

مالیات اصناف یک مالیات ویژه و نوعی مالیات توزیعی محسوب می‌شد. یعنی اصناف برخلاف سایر گروه‌های شهری در پرداخت مالیات، گروهی دارای شخصیت حقوقی واحد به‌شمار (فلور، ۱۳۶۵: ۷۷) می‌آمدند. اما پس از تصویب این قانون، مقرر شد مالیات واحدهای صنفی بر اساس درآمد هر شخص حقوقی و به‌صورت جداگانه دریافت شود و دیگر با اصناف بواسطه یک کل واحد برخورد نشود. در این شیوه جدید یکی از مهم‌ترین وظایف بزرگان و رؤسای اصناف یعنی جمع‌آوری مالیات از آن‌ها گرفته شده و تحت نظر نهادهای رسمی و حکومتی قرار گرفت.^{۱۸}

از نظر برخی محققان، الغای مالیات صنفی، از آنجا که قدرت سنتی ریش سفیدان اصناف در تعیین مقدار و چگونگی اخذ مالیات‌های صنفی را از آنها گرفت، راه را برای تضعیف سازمان‌های بازار فراهم کرد؛ ضربه مهمی به سازمان صنفی وارد آورد؛ خصومت بازاریان طبقه متوسط را (آبراهامیان، ۱۳۹۱: ۱۳۹) برانگیخت. در این تحلیل تبدیل مالیات صنفی، که تا مقدار زیادی یک موضوع درون صنفی بود، به مالیاتی که حتی جزئیات آن با

نظر و صلاحدید دولت و مجلس دریافت می‌شد؛ در کاهش قدرت و نفوذ سنتی سران اصناف موثر دانسته شده است.^{۱۹}

اما علیرغم نظر بسیاری از محققان در اسناد عرایض نشانی از مخالفت و نارضایتی از الغای مالیات صنفی نیست به نظر می‌رسد منظور از نارضایتی مد نظر برخی از محققان درخصوص الغای مالیات اصناف؛ احتمالاً باید بر ناخشنودی سران و روسای اصناف باشد تا بدنه صنف. اسناد عرایض حاکی از آن است که کاهش مالیات صنفی و یا حذف آن بواسطه کمبود درآمدها و کساد کسبو کار، خواسته بسیاری از اعضای اصناف سنتی بود. ابراز تشکر انجمن اصناف اصفهان از تصمیم مجلس برای الغای مالیات بواسطه اینکه قرار است «عموم اصناف ایران را از فشار و تحمیل این بار گران [مالیات صنفی] قرین آسایش فرموده...» تنها نمونه‌ای از اظهار مسرت‌های بیشمار از الغای این مالیات‌ها است. (روزنامه اطلاعات، ۹ آذر ۱۳۰۵، ش ۹۱: ۱)

به عبارت دیگر اصل پرداخت مالیات صنفی در این دوره همواره مورد اعتراض بوده و الغای آن مایه دلخوشی و مسرت اصناف؛ اما می‌توان گفت که در درازمدت تغییر شیوه دریافت، ملزومات و قوانین آن به زیان قدرت سنتی و کهن روسای اصناف تمام شد.

به این ترتیب در ابتدای دوره حکومت پهلوی و با استقرار شیوه‌های جدید، بسیاری از مالیات‌های گذشته حذف و گروه قابل توجهی از اصناف از پرداخت مالیات‌های غیرمعمول معاف شدند. در پی همین تغییر بود که در نیمه اول فروردین ۱۳۰۹ش، دولت لایحه «مالیات بر درآمد» را به مجلس برد که مالیاتی مستقیم بود، طبق این قانون برای شرکت‌های انتفاعی و کاخانجات، بانکها و مؤسسات صرافی، بازرگانان، اصناف، دلالان و حق‌العمل کاران، وکلای دادگستری و پزشکان، دریافت کنندگان حقوق و سایر درآمدها مالیات بر درآمد معین شد. بر اساس این قانون این برای اصناف درجه اول سالیانه ۱۰۰ تومان، درجه دوم ۴۸ تومان، و درجه سوم ۱۸ تومان مالیات وضع شد و مقرر شد که اصنافی که فروش سالیانه آنها از پنج هزار تومان تجاوز نکند، از پرداخت مالیات معاف باشند. میزان فروش برای تعیین مالیات در مورد صنف درجه اول بیش از ۴۰ هزار تومان، صنف درجه دوم بیش از ۲۰ هزار تومان و صنف درجه سوم بیش از ۵ هزار تومان در سال مقرر شد. اصنافی که میزان فروش سالیانه آنها پایین تر از پنج هزار تومان در سال باشد؛ از پرداخت مالیات معاف باشند. (مجموعه قوانین و مقررات سالهای ۱۳۱۲-۱۳۰۰ش، ۱۳۸۸: ۴۳۳)

۶. نتیجه‌گیری

در ابتدای قرن کنونی یکی از مهمترین و کهن‌ترین مالیات‌هایی که پیش از آن به مدت سده‌ها از اصناف دریافت می‌شد، براساس مصوبه مجلس شورای ملی لغو گردید. تا پیش از لغو رسمی این نوع مالیات نیز نارضایتی‌های گسترده‌ای نسبت به اخذ آن وجود داشت که از طرق مختلف از جمله عریضه‌های ارسالی به مجلس بازتاب می‌یافت. تغییر شرایط کسب و کار برخی اصناف و کساد کسب و کاهش درآمد ناشی از این تغییرات یکی از عوامل اصلی نارضایی‌ها بود که در عرایض انعکاس داشت. بعلاوه ناتوانی در رقابت با سیل واردات که از سده گذشته آغاز شده بود و عدم رغبت عمومی به محصولات داخلی، تأثیری مضاعف بر ضعف بینه مالی اصناف گذاشت.

همچنین به نظر می‌رسد که ناآشنایی اصناف با تفاوت مالیات صنفی و سایر مالیات‌ها و تسری دادن مفهوم این مالیات به تمام وجوهی که با عناوین دیگر از اصناف دریافت می‌شد گاه در افزایش اعتراضات نسبت به مالیات صنفی موثر بود. همچنین عدم توافق بین اصناف و دستگاه‌های دولتی در مورد روال بنیچه‌بندی یکی از عوامل اصلی بروز نارضایتی به نظر می‌رسد. به هر روی با حذف مالیات صنفی از نظر حقوقی تغییر عمده‌ای در ارتباط مالیاتی اصناف و دولت بوجود آمد که مبنای مالیات ستانی از اصناف را تغییر داد و با تصویب قانون مالیات بر درآمد در سال ۱۳۰۹ش، اصناف مانند سایر گروه‌های شهری تبدیل به یک شخصیت حقوقی منفرد در موضوع پرداخت مالیات شدند.

پیوست‌ها

سند شماره ۱: عریضه هیئت اصناف ابهر خمره از مباشر محل نسبت به اخذ مالیات صنفی و مزروعی (کمام: ۶/۴۱/۱۹/۱/۴۵)

متن سند:

عرض حال و استغاثه مظلومین بی پناه

ساحت مقدس دارالشورای ملی شیدالله ارکانه کپیه ستاره ایران

در تاریخ ۶/۹/۱۸ عریضه توسط حضرت... آقای آیت الله... نماینده محترم خمره

راجع بشکایت از کدخدای ابهر که مالیات ملغی شده اصناف را با فراش حکومتی از

این جان نثاران

اخذ در صورتیکه قانون اساسی لغو و در عموم ولایات بموقع اجرا گذاشته شده
ما بدبختان اهالی ابهر چه تقصیر و گناهی کرده‌ایم از این فیض عظیمی محروم امسال

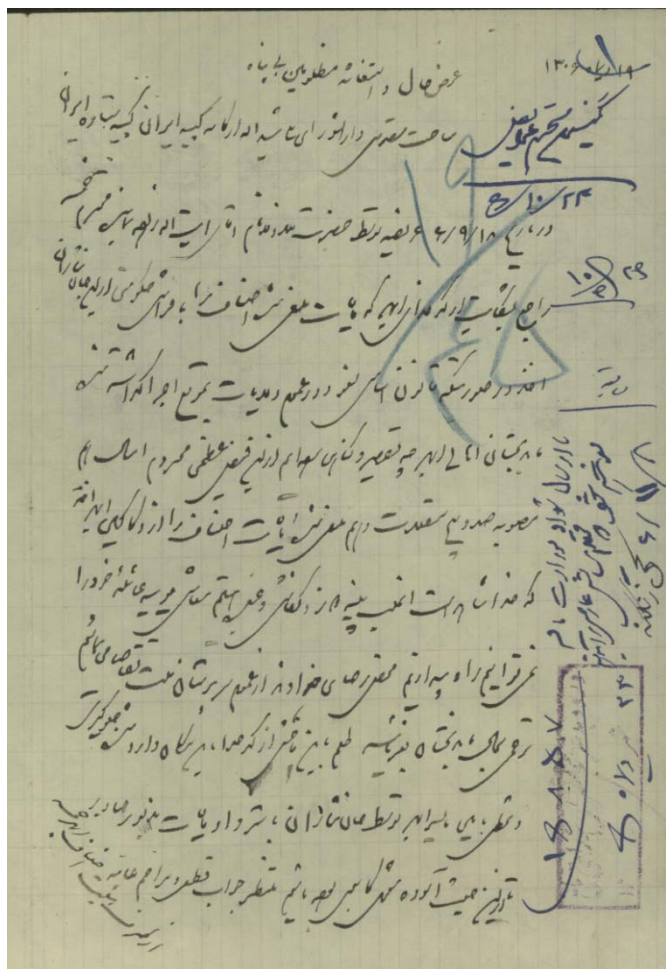
هم

مصوبه صد و پنج مستغلات و هم ملغی شده مالیات اصناف را از دکاکین ابهر اخذ
کدخدا شاهد است اغلب پینه زن و کفاش و غیره هستیم معاش یومیه عائله خود را
نمی‌توانیم راه بیندازیم محض رضای خداوند از عموم سرپرستان... تقاضا می‌نمائیم
ترحمی بحال ما بدبختان بفرمائید ظلم باین فاحش از کدخدا باین بندگان وارد شده
جلوگیری

و ... باین... ابهر توسط جان نثاران باشد و... مذبور صادر
تا از این حیث آسوده... بوده باشیم منتظر جواب قطعی و مراجع عامه
از طرف هیئت اصناف ابهر خمسه
حاشیه راست، بالا: ۱۹ دیماه ۱۳۰۶
کمیسیون محترم عرایض ۶/۱۰/۲۴
۶/۱۰/۲۶

حاشیه وسط: با ارسال سواد بوزارت مالیه نوشته شود که قرار؟ آسایش عارضین... شود
۶/۱۱/۸... زنگنه

مهر: ورود بدفتر مجلس شورای ملی ۲۳ شهر دیماه ۱۳۰۶، ۱۶۸۵۷



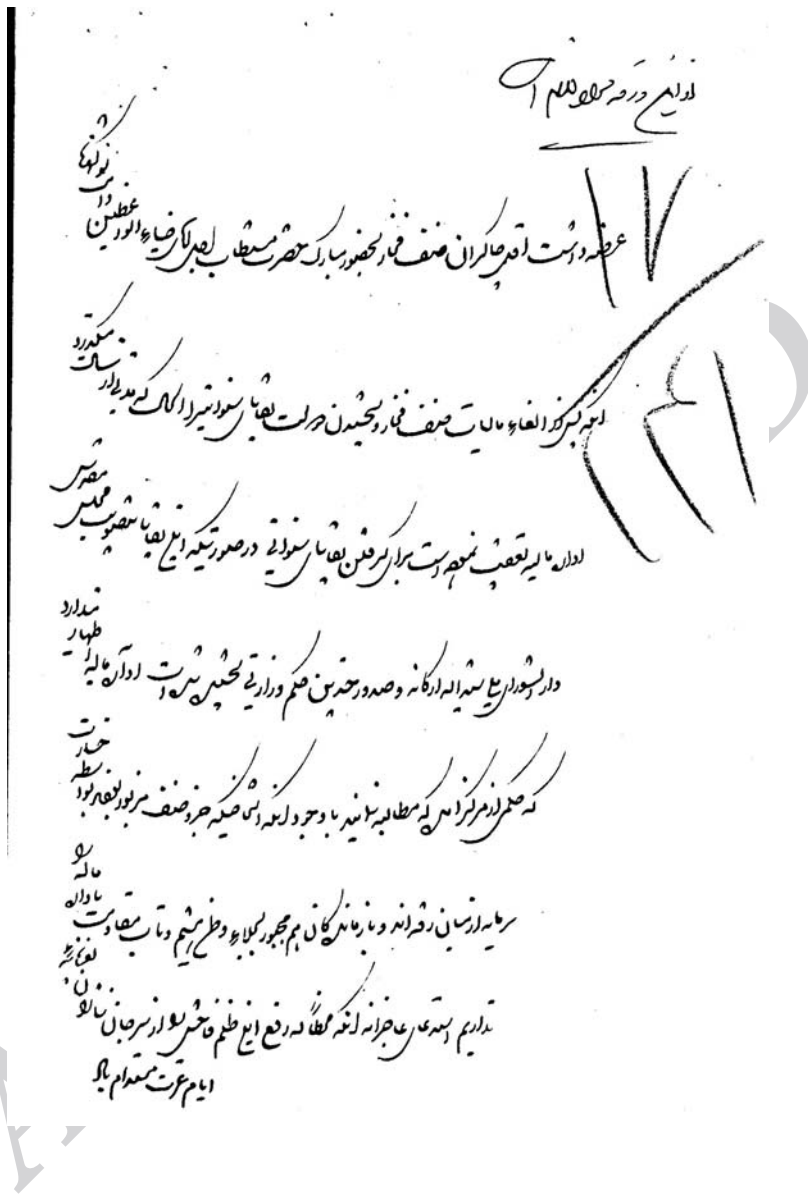
سند شماره ۲: شکایت صنف فخار شیراز از مطالبه بقایای مالیات صنفی (کمام: ۶/۳۲/۱۷/۳/۲۴۱)

متن سند:

عرضه داشت اقل چاکران صنف فخار بحضور مبارک حضرت مستطاب اجل آقای
ضیاء الواعظین دامت شوکتها
آنکه پس از الغاء مالیات صنف فخار و بخشیدن دولت بقایای سنواتیرا الحال که مدتی
از سال میگذرد
اداره مالیه تعقیب نموده است برای گرفتن بقایای سنواتی در صورتیکه این بقایا
بتصویب مجلس مقدس

دارالشورای ملی شیداله ارکانه و صدور چندین حکم وزارتی بخشیده شده است اداره
مالیه اظهار میدارد
که حکمی از مرکز آمده که مطالبه نمایند با وجود آنکه اشخاصیکه جزو صنف بوده‌اند
بواسطه خسارت
سرمایه از میان رفته‌اند و بازمانده گان هم مجبور بجلاء وطن هستیم و تاب مقاومت
باداره مالیه را
نداریم استدعای عاجزانه آنکه... رفع این ظلم فاحش را از سر جان نثاران بفرمائید
ایام عزت مستدام باد
حاشیه راست، بالا: از این ورقه سواد لازم است

Archive of SID



پی نوشتها

1. Floor. w, 1987, "ASNAF" in Encyclopedia iranica, ed: by Ehsan Yarshater: vol: II. London, boston and Henly: pp 772-778.
۲. گاه پیشه‌وران مالیات‌های غیرمستقیم نیز پرداخت می‌کردند که مبلغ آن معمولاً بیش از مالیات مستقیم بود. در دوره صفوی، مالیات بیگاری، خرج پادشاه و مالیات حوادث در زمره این نوع

- مالیات محسوب می‌شد. (فلور، ۱۳۹۲: ۴۲) یکی از این مالیات‌های غیرمستقیم که پس از مشروطه مورد انتقاد بسیاری از پیشه‌وران قرار گرفت، مالیات داروغگی بود که در ازای انجام برخی وظایف داروغه‌های بازار و به‌عنوان جزئی از مواجب آنان، پرداخت می‌شد. این مالیات را به‌خاطر دستگیری دزدان بر تجار و پیشه‌وران (کوزنتسوا، ۱۳۶۲: ۴۴۳) می‌بستند.
۳. بیست و هشت فقره مالیات غیرمستقیم در این لایحه، شامل مواردی چون مالیات حراج، نمایش، قپان، دلالی تریاک، مالیات لش‌کشی و ... و ۱۴۹ مالیات مستقیم، شامل مالیات صنفی صد و چهل و نه حرفه همچون بزاز، علاقه‌بند، سمسار، مسگر، نمدمال، پاره دوز و مشاغلی از این دست بود. بنا بر ماده ششم این لایحه، وزارت مالیه‌مأمورتهیه نظام‌نامه برای اجرای این قانون و اجرای آن شده و مقرر شد که این قانون به مجرد تصویب به موقع اجرا گذارده شود. (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۵، جلسه ۱۵)
۴. نام بسیاری از این مشاغل در آمارگیری سال ۱۳۰۱ ه. ش، از مشاغل و حرف در تهران و تعداد شاغلان آن‌ها وجود دارد؛ شغل‌هایی که مواجهه با دوران مدرن و تغییر سبک زندگی مردم، سبب از میان رفتن و یا زوال نسبی آن‌ها شده است. اسامی این مشاغل و تعداد افراد دست‌اندرکار هر یک از آن‌ها هم نشان‌دهنده وضعیت اصناف و پیشه‌هایی است که اکنون دیگر نشانی از آن‌ها نیست و یا نفس آن‌ها به شماره افتاده است: مشاغلی چون غربال بافی، دباغی، لیمونادسازی، نساجی، قلاب دوزی، آینه سازی، تراشکاری، دواتگری، اسلحه سازی و ... (نوربخش، ۱۳۸۱: ۲۱۱۶-۲۱۱۱) این مقطع تاریخی، سالهایی سخت برای اصناف سنتی بود. بسیاری از اصناف در مقابل شرایط دشوار تاب نیاورده و از بین رفتند و بسیاری دگر که تا مدت‌ها به بقای خود ادامه دادند، در شرایط دشواری قرار گرفتند.
۵. قنایز: نوعی پارچه نخی در دوره قاجار با زمینه به رنگ‌های مختلف که خطوطی با رنگ متفاوت با زمینه بر آن نقش می‌کردند. (دهخدا، افسست: ۴۸۸)
۶. بافنده و یا فروشنده ابریشم و نوار و قیطان (دهخدا، افسست: ۹)
۷. البته همه نمایندگان با ناعادلانه بودن مالیات صنفی موافق نبودند، در پاسخ به این نظر، نماینده‌ای بر لزوم تفکیک بین اصناف از میان رفته، با اصنافی که در حال کسب هستند؛ سخن گفت: «اگر جنابعالی ... برای خوشآمد یک عده اصناف می‌فرمائید مالیات نباید بدهند. بنده هم عقیده‌ام این است ولی اصنافی که هستند و کسب می‌کنند. همان کلاهدوزی که فرمودید کلاه دانه پانزده قرانی را یک تومان می‌فروشند مالیات هم باید بدهد زیرا اینها هم در مخارج مملکت سهیم و شریکند ولی صنف نعلچیگر که از بین رفته است هیچوقت نباید مالیات بدهد و ازش هم مطالبه نمیکنند ...» او در ادامه با توجه به کارآمدی نظام داخلی اصناف در تعیین مالیات صنفی، این نظام درونی را از عوامل بازدارنده تعدی به اصناف شمرده و اشاره کرد که اصناف با توجه به همین نظام درونی تعیین مالیات، از تعرض و تعدی مصون می‌مانند: «... اصناف همه در مالیات دادن

- شریکند و همانطور که عرض کردم هر سال هم رئیس صنف اصناف را جمع می‌کند و رسیدگی می‌کند اگر فرضاً یکنفرپیشان شده و دیگری بجای او آمده از او مالیات نمیگیرند و از آن کسیکه بجای او آمده مالیات می‌گیرند...» (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۵، جلسه ۸۱).
۸. در این مقاله برای اسناد مربوط به آرشیو کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی نام اختصاری؛ «کمام» و برای اسناد آرشیو سازمان اسناد ملی نام اختصاری «ساکما» بکار رفته است.
۹. طلپس: معنی مرتبط واژه طلپس پیدا نشد، شاید در اینجا منظور «اطلس» باشد.
۱۰. در گزارش هیئت بازرگانی هند بریتانیا که در سال ۱۹۰۴-۱۹۰۳م به جنوب شرقی ایران ایران اعزام شدند؛ خاطر نشان شده که تقاضا برای خرید چکمه‌ها و کفش‌های اروپایی در ایران افزایش پیدا کرده است. در این گزارش توصیه شده که ورود کفش‌های بدون پنجه از آنجا که در ردیف کالاهای تجملی قرار نمی‌گیرد و مشمول مالیات کمتری می‌شود، مورد توجه قرار گیرد. (اوضاع اقتصادی ایران در آغاز قرن بیستم، ۱۳۷۶: ۱۷۶)
۱۱. دلو: سطلی که با آن از چاه آب می‌کشند. (دهخدا، افسست: ۱۸۱)
۱۲. ساغری نوعی چرم استکه از پوست کفل چهارپایان تهیه می‌شود. ساغری دوز به شغل دوزنده نوعی کفش به نام ساغری اشاره دارد. (دهخدا، افسست: ۱۴۵-۱۴۴)
۱۳. (دهخدا، افسست: ۹۶۹) مکاری‌ها گروه شغلی بودند که بواسطه کرایه دادن چهارپایان خود جهت حمل بار و مسافر، امرار معاش می‌کردند.
۱۴. یکی از نمایندگان موافق ورود اتومبیل با اشاره ضمنی به غیرقابل اجتناب بودن ورود این وسیله به لزوم تطبیق برخی مشاغل کهن حمل و نقل با شرایط جدید جامعه و جذب شدن در مشاغل جدید برای رفع معضل معیشت خود اشاره و استدلال کرد که: «این عده [درشکه‌چی‌ها] که در مقابل تمام ساکنین شهر چیزی نیست، من خیلی برای درشکه‌چی‌ها متأسفم، ولی از ما کاری ساخته نیست. [این کارها را باید بلدیۀ درست کند. اغلب درشکه سازها اتومبیل می‌سازند - درشکه خان‌ها گاراژ شده است و کار این‌ها هم دو سال نمی‌گذرد که درست می‌شود.]» (روزنامه اطلاعات، ۱۵ اسفند ۱۳۰۶، ش ۴۴۷: ۱)
۱۵. تا قبل از وضع قانون یکسان سازی مقادیر و اوزان در خرداد ۱۳۰۴ش و تعیین واحد و مقیاس پول در اسفند ۱۳۰۸ش، در هر استان و هر شهر واحدی مخصوص به کار می‌رفت و این اختلاف وزن و مقادیر در زمان وصول عوارض و مالیات‌های دولتی سبب کشمکش میان ماموران دولت و مودیان مالیاتی می‌گردید. اما در عرایض مورد بحث سندی دال بر اختلاف بین اصناف و مالیه در این موضوع یافت نشد.
۱۶. در مجلس نیز هم زمان با تصویب لایحه الغای مالیات‌های صنفی، عمده مباحث در مورد زمان اجرای این قانون است و در این باره بحث‌های زیادی درگرفته است. برخی نمایندگان با استناد با توجه به چند استدلال موافق حذف مالیات از ابتدای سال ۱۳۰۶، بودند: یکی از مهمترین آنها

به امکان بروز کسری بودجه برای دولت در صورت حذف این مالیات اشاره داشت. آنها اعتقاد داشتند که با حذف این مالیات از همان زمان تصویب یعنی آذر ۱۳۰۵، دولت برای سه ماهه باقی مانده سال دچار کسری بودجه خواهد شد. این گروه تلاش داشتند برای جلوگیری از کسر بودجه، زمان اجرای قانون را به ابتدای سال ۱۳۰۶ موکول کنند، همچنین بر این اعتقاد بودند که مالیات صنفی بعضی از اصناف، تا آخر سال پرداخت شده و بعضی دیگر بدهی دارند به این ترتیب، در صورت حذف مالیات، نوعی تبعیض بوجود می‌آید. اما عده‌ای دیگر از نمایندگان با این استدلال که چنین مالیاتی با توجه به بار مالی سنگین برای اصناف، بهتر است هر چه زودتر ملغی شود و موافق حذف هر چه سریع‌تر مالیات صنفی بودند. نماینده بابل در مجلس با اشاره به حس دست فروشهای این شهر توسط نظمی به دلیل عدم توانایی پرداخت مالیات صنفی از سایر نمایندگان می‌خواهد حتی در صورت تصویب این قانون از ابتدای سال ۱۳۰۶، برای رهایی این دسته از اصناف بی‌بضاعت و دربند، چاره‌ای بیندیشند این باور وجود داشت که این مالیات‌ها اغلب صورت مالیاتی و قانونی نداشته و در واقع نوعی مالیات استبدادی بوده‌اند که با زور از مردم اخذ می‌شود، بنابراین ادامه دریافت آن ولو به مدت سه ماه، محلی از اعراب ندارد. (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۶، جلسه ۴۰) اما در نهایت به سبب امکان کسری بودجه در عایدات دولت، تصمیم کمیسیون بودجه بر این قرار گرفت که دریافت مالیات اصناف از ابتدای سال ۱۳۰۶ شش متوقف شود. (روزنامه اطلاعات، ۲۰ آذر ۱۳۰۵، ش ۱۰۰: ۱)

۱۷. عوارض معارف چنانکه از نامش پیداست در واقع برای ترویج و توسعه معارف دریافت می‌شد و در برخی ایالات تجار و اصناف با تشکیل کمیسیون معارف در جهت راه‌اندازی موسسات آموزشی صنعتی و علمی از آن استقبال کردند. (حبل‌المتین، س سی و ششم، ش ۳۹ و ۴۰، ۲۰ شهریور ۱۳۰۷: ۱۳-۱۲) اما در بسیاری موارد نیز پرداخت آن با دشواری‌هایی برای اصناف توأم بود. عوارض معارف از تمامی مالیات‌های مستقیم دریافت می‌شد. دکاکینی که بیش از یک ریال مالیات صنفی پرداخت می‌کردند؛ موظف بودند به ازای مالیات پرداختی معادل هر یک تا دو ریال، یک شاهی عوارض معارف پرداخت کنند. (مختاری، ۱۳۸۰: ۵۴)

۱۸. البته اجرای این قانون جدید برای تعیین مالیات به جای قانون قدیمی در عمل با مشکلاتی روبه‌رو شد و در برخی ادوار، مجدداً نظام کهن دریافت مالیات گروهی (بنیچه) مبنای عمل قرار گرفت. (رضایی، ۱۳۷۶: ۶۵) گرفت.

۱۹. شاید بتوان حضور اصناف در اعتراضات معطوف به مخالفت با برنامه‌ها و اصلاحات نظامی و مالی دولت جدید بین سال‌های ۱۳۰۶ ش تا ۱۳۰۸ ش را که به رهبری روحانیون رده‌های میانی در شهرها صورت گرفت، به نوعی واکنشی نسبت به همین قانون دانست. (اتابکی، ۱۳۹۰: ۱۳۶)

کتاب‌نامه

- اتابکی، تورج، (۱۳۹۰)، *دولت و فرودستان*، ترجمه آرش عزیز، تهران: ققنوس.
- اشرف و بنوعزیزی، (۱۳۸۷)، *طبقات اجتماعی دولت و انقلاب در ایران*، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران: نیلوفر.
- اشرف، احمد، (۱۳۵۹)، *موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران*، تهران: زمینه.
- آبراهامیان، یرواند، (۱۳۹۱)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه کاظم فیروزمند و دیگران، تهران: مرکز.
- آپتون، جوزف ام، (۱۳۶۱)، *نگرشی بر تاریخ نوین ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نیلوفر.
- آوری، پیتر، (۱۳۷۱)، *تاریخ معاصر ایران*، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: عطایی.
- اوضاع اقتصادی ایران در آغاز قرن بیستم*، (۱۳۷۶)، گزارش هیئت بازرگانی هندبریتانیا اعزامی به جنوب شرقی ایران ۱۹۰۴-۱۹۰۵م، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- تاورنیه، ژان باتیست، (۱۳۶۹)، *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه ابوتراب نوری، تهران: کتابفروشی تایید.
- تحویلدار، میرزا حسین خان ابن محمد ابراهیم، (۱۳۸۸)، *جغرافیای اصفهان*، به کوشش الهه تیرا، تهران: اختران.
- تقوی، نعمت الله، (۱۳۶۳)، *نظام‌های مالیاتی در ایران*، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، ش ۱۳۱، بهار ۶۳.
- جمالزاده، محمد علی، (۱۳۳۵ق)، *گنج شایگان*، برلین: کاوه.
- جمالزاده، محمد علی، (۱۳۸۴)، *گنج شایگان*، تهران: سخن.
- خلیلی خو، محمدرضا، (۱۳۷۳)، *توسعه و نوسازی ایران در دوره رضاشاه*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- دبیرالملک، (۱۳۰۳)، *مالیات‌های مستقیم در ایران*، مجله علوم مالیه و اقتصاد، ش اول، سال اول.
- دهخدا، علی اکبر، (افست)، *لغت‌نامه دهخدا*، زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سید جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران.
- دهنوی، نظام‌علی، (۱۳۸۳)، *اصناف بزاز و کلاه‌مال ستقر و کلیایی در طی سال‌های ۱۳۰۵-۱۳۰۳ ش*، گنجینه اسناد، س ۱۴، دفتر اول، ش ۵۳.
- راوندی، محمد بن علی بن سلیمان، (۱۳۳۳)، *راحه الصدور*، به اهتمام عباس اقبال و مجتبی مینوی، تهران: امیرکبیر.
- رزاقی، ابراهیم، (۱۳۸۱)، *اقتصاد ایران*، تهران: نی.
- رضایی، عبدالعلی، (۱۳۷۶)، *روند شکل‌گیری اصناف و تحول سازمان صنفی در ایران، رسانه، س ۸، ش ۶*.
- روزنامه اطلاعات: شماره‌های ۱۴۹، ۲۶۷، ۱۱۱، ۳۶۹، ۴۴۷، ۴۰۹، ۱۰۰، ۹۱
- روزنامه جبل‌المتین: ش ۳۹ و ۴۰
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی (ساکما): ۲۴۰-۴۴۵۰۸، ۲۴۰-۱۷۱۲۸، ۲۴۰-۱۱۸۸۸
- سیف، احمد، (۱۳۷۳)، *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم*، تهران: چشمه.
- عیسوی، چارلز، (۱۳۶۲)، *تاریخ اقتصادی ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.

- فرهنگ، منوچهر، (۱۳۸۶) فرهنگ اقتصادی، تهران: نشر آسیم.
- فلور، ویلم، (۱۳۶۵)، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری، ج ۲، تهران: توس.
- فلور، ویلم، (۱۳۷۱) صنعتی شدن ایران و شورش شیخ احمد ملنی، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- فلور، ویلم، (۱۳۹۲)، جایگاه اصناف در نظام سیاسی اقتصادی و اجتماعی ایران از دوران صفویه تا انقلاب اسلامی، ترجمه حمید حاجیان پور و زینب تاجداری، پارسه، ش ۲۰، س ۱۳.
- فلور، ویلم، (۱۳۹۳)، صنایع کهن در دوره قاجار، ترجمه علیرضا بهارلو، تهران: پیکره.
- فوران، جان، (۱۳۹۲)، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا، چاپ چهاردهم.
- فیوضات، ابراهیم، (۱۳۷۲)، بررسی تحولات استاد شاگردی در ایران، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- قلفی، محمدوحید، (۱۳۷۹)، مجلس و نوسازی در ایران، تهران: نی.
- کاتوزیان، محمدعلی، (۱۳۷۴)، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیسی، کامبیز عزیزی، تهران: مرکز. کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی؛ (کمام)، اسناد:
- ۶/۷۲۳/۱۶۱/۴۱، ۶/۴۶۶/۲۲/۱/۸، ۶/۲۳/۱۶۱/۷۵، ۶/۵۱/۲۴/۱/۳۰، ۶/۲۴/۱۶۲/۱۱۶، ج ۳۶، ۶/۴۶۶/۲۲/۱/۳۶، ۶/۷۳۳/۳۹/۱/۱، ۶/۷۰/۳۵/۱/۹، ۶/۲۰/۱۵/۲/۱۱۰، ۶/۴۳/۲۰/۲/۹۶، ۶/۴۸/۲۳/۱/۶۷، ۶/۱۶۳۲/۱۷/۳/۲۴۱، ۶/۴۶۶/۲۲/۱/۲۵، ۶/۴۲/۲۰/۱/۶۱، ۶/۴۲/۲۰/۱/۴۵، ۶/۱/۲/۲/۱۲۳
- کرزن، جرج ناتانیل، (۱۳۸۷)، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- کیوانی، مهدی، (۱۳۷۹)، اصناف، دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران: بنیاد دایره المعارف بزرگ اسلامی
- لبنتون، آن، (۱۳۶۰)، نگرشی به جامعه اسلامی در ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی
- لوح مشروح، مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی و اسلامی، تهران: مرکز پژوهش‌های کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
- مجموعه قوانین و مقررات سالهای ۱۳۱۲-۱۳۰۰ ش، ۱۳۸۸، تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران
- مختاری اصفهانی، (۱۳۸۰)، اسنادی از انجمن‌های بلدی تجار و اصناف ۱۳۲۰-۱۳۰۰ هـ ش، تهران: خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی دفتر ریاست جمهوری
- میلسپو، آرتور چستر، (۲۵۳۶)، ماموریت آمریکاییها در ایران، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: پیام
- نفیسی، سعید، (۱۳۴۵)، تاریخ معاصر ایران، تهران: کتابفروشی فروغی
- نوربخش، مسعود، (۱۳۸۱)، تهران به روایت تاریخ، ج ۴، تهران: نشر علم
- هنر فر، لطف الله، (۱۳۵۰)، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، اصفهان: کتابفروشی ثقفی
- یکتایی، مجید، (۱۳۴۰)، تاریخ داری و گمرکات و انحصارات، تهران: پیروز
- یوسفی فر، شهرام، (۱۳۸۹)، سرگذشت بازار بزرگ تهران، بازارها و بازارچه‌های پیرامونی آن در دو بیست سال اخیر، تهران: بنیاد ایرانشناسی.